

بررسی نخبگانی بیانیه گام دوم انقلاب

مرحله اول: تقریر قاعده‌مند

مرحله دوم: تحلیل و تکمیل

مرحله سوم: تدبیر و تحقق

دیرخانه بیانیه گام دوم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

با همکاری پژوهشی «حسینیه اندیشه»



۰۹۱۲۶۱۸۱۲۵۸ – ۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴



<https://ble.im/HossinieAndisheh>



<https://eitaa.com/HossinieAndisheh>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مندرجات

- مقدمه: «تقریر قاعده‌مند از بیانیه گام دوم»، پیش‌نیاز اساسی در جهت: ۱- مرحله «تحلیل و تعمیق»؛ ۲- مرحله «اجرا»..... ۱

۱. تقریر قاعده‌مند از بیانیه در قالب تصاویر ۵

راهنمای تصاویر..... ۶

شکل شماره ۱) تعیین عنوان اصلی بیانیه (بر اساس کلام معظم رهبری)..... ۷

شکل شماره ۲) تعیین عناوین ساختاری بیانیه (بر اساس کلام معظم رهبری)..... ۹

شکل شماره ۳) اندراج عناوین ساختاری در عنوان اصلی..... ۱۱

شکل شماره ۴) تعیین محتوای عناوین ساختاری..... ۱۳

شکل شماره ۵) استدلال بر تعیین محتوای «عظمت حادثه انقلاب» (عنوان ساختاری اول)..... ۱۵

شکل شماره ۶) استدلال بر تعیین محتوای «عظمت کارکرد انقلاب» (عنوان ساختاری دوم)..... ۱۷

شکل شماره ۷) استدلال بر تعیین محتوای «عظمت نقش نیروی جوان متعهد» (عنوان ساختاری سوم)..... ۱۹

شکل شماره ۸) استدلال بر ضرورت افزودن «نقطه تکمیلی» به محتوای عنوان ساختاری سوم..... ۲۱

شکل شماره ۹) استدلال بر تعیین محتوای «عظمت چشم‌انداز آینده» (عنوان ساختاری چهارم)..... ۲۳

شکل شماره ۱۰) استدلال بر تعیین محتوای «عناوین فرعی» مربوط به «عظمت حادثه انقلاب» از طریق ترکیب «عناوین تبعی» آن ۲۵

شکل شماره ۱۱) استدلال بر تعیین محتوای «عناوین فرعی» مربوط به «عظمت کارکرد انقلاب» از طریق ترکیب «عناوین تبعی» آن ۲۷

شکل شماره ۱۲) استدلال بر تعیین محتوای «عناوین فرعی» مربوط به «عظمت نقش نیروی جوان متعهد» و «توصیف وضعیت کنونی» از طریق ترکیب «عناوین تبعی» آن..... ۲۹

شکل شماره ۱۳) استدلال بر تعیین محتوای «عناوین فرعی» مربوط به «عظمت چشم‌انداز آینده» از طریق ترکیب «عناوین تبعی» آن..... ۳۱

شکل شماره ۱۴) «ضرورت» نسبت‌سنجی و ترکیب مفاهیم مربوط به «گذشته، حال، آینده انقلاب» برای دستیابی به «محتوای عنوان اصلی» به مثابه دال مرکزی بیانیه ۳۳

شکل شماره ۱۵) «نتیجه» نسبت‌سنجی و ترکیب مفاهیم مربوط به «گذشته، حال، آینده انقلاب» برای دستیابی به «محتوای عنوان اصلی» به مثابه دال مرکزی بیانیه ۳۵

شکل شماره ۱۶) محتوای عنوان اصلی بیانیه گام دوم (دال مرکزی بیانیه)..... ۳۷

شکل شماره ۱۷) نمایی کلان از روند دستیابی به «محتوای عناوین فرعی و ساختاری» و اندراج آنها در «محتوای عنوان اصلی» ۳۹

۴۱	۲. تقریر قاعده‌مند از بیانیه در قالب عناوین
۴۳	عنوان اصلی
۴۴	عناوین ساختاری
۴۵	اندراج عناوین ساختاری در عنوان اصلی
۴۶	تعریف و محتوای عناوین ساختاری
	۱- عظمت اصل انقلاب: ایجاد دو گانه جدید «اسلام - استکبار» توسط انقلاب به جای «شرق مادی - غرب مادی» و ناکامی تلاش‌های مدرنیته برای نابودی آن
۴۶	۲- عظمت کارکرد انقلاب: پیشرفت در ابعاد هفت‌گانه (خواسته‌های ملی و بین‌المللی و بشری) به دلیل حضور اراده ایمانی امام و ملت در مدیریت کشور با محوریت جوانان
	* محور تکمیلی: توصیف وضعیت کنونی: دستاوردهای ناشی از جهت‌گیری انقلابی و چالش‌های غفلت از جریان این جهت‌گیری در سرفصل‌های اساسی اداره کشور
۴۶	۳- عظمت نقش نیروی جوان متعهد: نیروی جوان با زیربنای عمیق ایمانی و معرفتی، به عنوان مهمترین ظرفیت کشور و مسئول برداشتن گام دوم انقلاب در هفت سرفصل اساسی
۴۶	۴- عظمت چشم‌انداز آینده: تغییرات در سرفصل‌های اساسی اداره کشور بر مبنای امید صادق، منشأ دستیابی به آرمان انقلاب در ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور
۴۷	استدلال بر محتوای عناوین «ساختاری» از طریق ترکیب عناوین «فرعی»
۴۸	استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری اول گذشته» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن
۴۹	استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری دوم گذشته» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن
۵۰	استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری تکمیلی حال» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن
۵۱	استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری حال» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن
۵۲	استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری آینده» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن
۵۳	استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» از طریق ترکیب عناوین «تبعی»
۵۴	استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار اول، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن
۵۷	استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار دوم، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن
۶۰	استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار تکمیلی، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن
۶۴	استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار سوم، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن
۶۶	استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار چهارم، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن
	نسبت‌سنجی میان «گذشته و حال و آینده انقلاب» در قالب یک مفهوم مرکب؛ مبین محتوای عنوان اصلی بیانیه: «جریان جهت‌گیری انقلابی (درگیری اسلام با استکبار) در سرفصل‌های اداره کشور»
۷۱	جهت‌گیری انقلابی (درگیری اسلام با استکبار) در سرفصل‌های اداره کشور
۷۳	۳. الحاقیه: «مبانی و تعاریف»
۷۵	الف) فطری بودن شعارهای جهانی انقلاب و حاکمیت آن بر همه عصرها، موجب همراهی ملتها با آن
۷۵	ب) تعریف شعارهای انقلاب

مقدمه

- «تقریر قاعده‌مند از بیانیه گام دوم»، پیش‌نیاز اساسی در جهت:

۱- مرحله «تحلیل و تعمیق» (مدیریت تحقیقاتِ بیانیه)؛

۲- مرحله «اجرا» (مدیریت تحقق بیانیه)

بیان ضرورت

انتشار بیانیه گام دوم انقلاب در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، توجه نخبگان انقلابی را به خود معطوف کرد و باعث طرح مباحث مختلفی پیرامون این بیانیه شد. اما به نظر می‌رسد که اولین چالشی که برای انجام وظیفه نسبت به این بیانیه پیش روی قشر انقلابی قرار گرفته، فقدان یک فهم مشترک از بیانیه است. لذا برخی فرازهای بیانیه در نزد برخی فعالان، مهمتر ارزیابی شده و در اولویت اقدام قرار می‌گیرد اما عده‌ای دیگر، فرازهای دیگری را محوری قلمداد می‌کنند و وظائف دیگری را پیش روی خود می‌بینند. پس تا زمانی که یک «فهم روش‌مند از بیانیه» که مستدل بوده و وفاقی نسبی را به همراه داشته باشد، بدست نیاید؛ امکان مناسبی برای مراحل بعدی - که قاعدتاً باید از جنس «تحلیل و تعمیق» و سپس «تعیین وظایف و تقسیم کار» باشند - فراهم نخواهد آمد. دستیابی به این فهم مشترک و روشمند باعث خواهد شد تا هیچ بخشی از بیانیه بدون دلیل بر بخش دیگر حاکم نشود و به جای خطا در فهم بیانیه یا تأویل آن، وزن و میزان اهمیت هر یک از فرازها معلوم شود و نسبت بین بندهای مختلف بیانیه مشخص گردد و همه اجزاء آن در یک نظام به هم پیوسته - که اصل و فرع یا محورها و توابع در آن مشخص شده - قرار گیرد و جمع‌بندی دقیقی از این نوشتار مهم بدست آید. اهمیت این جمع‌بندی آنگاه روشن‌تر می‌شود که بدانیم این بیانیه نیز در مقام جمع‌بندی از عمر چهل‌ساله‌ی پدیده‌ای به نام «انقلاب اسلامی» قرار گرفته و لذا توقف در مفاهیم مختلف و متکثر آن و نرسیدن به یک جمع‌بندی از آنها، هم با غرض از این بیانیه تناسب ندارد و هم ما را در مقام عمل به آن، دچار تشتت و سردرگمی می‌کند.

بدین منظور و برای ورود به مرحله اول (دستیابی به فهم قاعده‌مند)، روش ذیل پیشنهاد شد: تجزیه هر واحد مفهومی و نوشتن یک عنوانِ حاکی از متن به‌مثابه «عناوین خُرد»؛ نسبت‌سنجی «عناوین خُرد» برای دستیابی به مفاهیم حاکم و محکوم به‌مثابه «عناوین ساختاری» و در نهایت، نسبت‌سنجی بین عناوین ساختاری برای تعیین «عنوان اصلی» که غرض اساسی و محور اصلی بیانیه را معین می‌کند.

گزارش روند کار

اولین فعالیت در این مسیر، بکارگیری این روش از طریق مباحثات دو و چند نفری بود که از خلال آن، حدود ۹۰ عنوان خُرد به دست آمد و با نسبت‌سنجی بین آنها، چهار عنوان ساختاری حاصل شد که دو عنوان مربوط به «گذشته انقلاب» و دو عنوان مربوط به «ادامه مسیر انقلاب» بود؛ همچنان‌که عنوان پنجمی نیز به دست آمد که مُجمل به نظر می‌آمد و مولف گرچه از آن یاد کرده بود اما هم‌وزن دیگر عناوین ساختاری، به آن نپرداخته بود.

در میانه این فعالیت، سخنان مقام معظم رهبری پیرامون بیانیه گام دوم در تاریخ ۹۸/۳/۱ منتشر شد که صحت روش بکارگرفته شده را تایید می‌کرد چرا که در این سخنان، تصریح به چهار نقطه اصلی (۱. عظمت اصل انقلاب، ۲. عظمت کارکرد انقلاب، ۳. عظمت چشم‌انداز پیش‌روی انقلاب، ۴. عظمت نقش جوانان در تحقق چشم‌انداز) وجود داشت که همانند فعالیت انجام‌شده، دو نقطه از آن مربوط به گذشته و دو نقطه از آن، مربوط به ادامه مسیر بود. لذا با توجه به این اشتراک محتوایی، در ادامه فعالیت، از تعابیر و الفاظ معظم‌له برای بیان عناوین ساختاری استفاده شد تا موجب افزایش میزان اجماع بر محصول فعالیتها شود. البته تعبیر دیگری از سوی معظم‌له مبنی بر «یک ترسیم کلی از گذشته و حال و آینده‌ی انقلاب» نیز بیان شده بود که به‌مثابه «عنوان اصلی بیانیه» تلقی شد. پس لازم بود کیفیت اندراج عناوین ساختاری در عنوان اصلی تعیین شود: عنوان ساختاری شماره ۱ (یعنی عظمت اصل انقلاب) و عنوان ساختاری شماره ۲ (عظمت کارکرد انقلاب) ناظر به «ترسیم کلی از گذشته» دانسته شد؛ عنوان ساختاری شماره ۳ (عظمت چشم‌انداز) ناظر به «ترسیم کلی از آینده» محسوب گردید و عنوان ساختاری شماره ۴ (عظمت نقش جوان در تحقق چشم‌انداز) ناظر به تکالیف فعلی و «ترسیم کلی از حال» تلقی شد. در دومین فعالیت، محتوای عناوین ساختاری از طریق روش پیش‌گفته مشخص شد: عناوین خُرد به دو دسته تقسیم شدند؛ «عناوین تبعی» که از ترکیب آنها، «عناوین فرعی» حاصل می‌شود و سپس با ترکیب «عناوین فرعی»، محتوای عناوین ساختاری حاصل می‌شود تا عناوین ساختاری صرفاً به یک نام مانند عظمت حادثه انقلاب، عظمت کارکرد انقلاب و... محدود نشوند بلکه محتوایی که از نظر مولف، توضیح‌دهنده‌ی عظمت انقلاب یا کارکرد آن است، معین گردد.

بر اثر دو فعالیت پیش‌گفته، در فعالیت سوم به بخش‌های مختلفی از بیانیه توجه شد که در آن به ترسیم وضع کنونی (حال) پرداخته شده بود اما ناظر به نقش نیروی جوان متعهد نبود. لذا این بخش‌ها تحت یک عنوان واحد جمع‌آوری شد و به عنوان محور تکمیلی نام گرفت و به «ترسیم کلی از حال» اضافه گردید. همچنین بخش مربوط به «شعارهای فرازمانی انقلاب و تعاریف آن» نیز به‌مثابه الحاقیه تلقی شد زیرا تقسیم «گذشته و حال و آینده» کاملاً معطوف به زمان است و این در حالی است که شعارهای انقلاب بر حسب متن بیانیه، فرازمانی و بدون تاریخ هستند. در واقع نمی‌توان بحثی فرازمانی را ذیل بحثی زمان‌دار قرار داد و لذا باید این بخش را از امور الحاقی دانست که جزء اهتمام اصلی گوینده نبوده‌اند و در عنوان اصلی قرار نمی‌گیرند بلکه مولف ضمن اشاره‌ای کوتاه به این امور فرازمانی، سریعاً از آنها عبور کرده است.

در فعالیت چهارم، به شماره‌گذاری برای هر یک از عناوین مبادرت شد تا از طریق این شماره‌ها، عناوین حاکم و محکوم روشن شود و میزان ارزش و اهمیت هر یک از عناوین و متن‌های ذیل آن در نظر گوینده مشخص گردد. همچنین متن فیش‌ها در پاورقی ذیل هر عنوان قرار گرفت تا امکان قضاوت پژوهشگران نسبت به صحت عنوان‌گذاری فراهم شود. گرچه روشن است که التزام به عنوان اصلی و عناوین ساختاری که مولف مطرح کرده بود، باعث می‌شود تا برخی فیش‌ها از محل فعلی که در بیانیه دارند، به بخشی منتقل شود که از نظر محتوایی، با آن متناسب است. البته این جابجایی‌ها طبیعت هر متنی است که دارای آرایه‌های هنری و خطابی است اما قرار است به متنی برای تحقیق و پژوهش تبدیل شود.

روند فوق به صورت منطقی و استدلالی باعث شد تا ۹۰ عنوانی که در ابتدای تحقیق بدست آمده بود، از طریق چند واسطه در سه عنوان «گذشته، حال و آینده» جمع‌بندی شوند اما روشن است که نه مولف بیانیه، سه مفهوم جدا و منفک از یکدیگر را مطرح

کرده و نه در واقعیت خارجی، گذشته و حال و آینده انقلاب از یکدیگر بریده هستند. بنابراین در فعالیت پنجم، از طریق ترکیب محتوایی که پیرامون گذشته و حال و آینده انقلاب بدست آمده بود، محتوای عنوان اصلی که غرض اساسی و دالّ مرکزی بیانیه است، استخراج شد تا همه مفاهیم متکثر و متنوع این نوشتار مهم، در یک مفهوم واحد اما مرگب جمع‌بندی شوند.

در فعالیت ششم و برای تسهیل انتقال مباحث، روند فوق در قالب شکل و نمودار درآمد. همچنین در فعالیت هفتم لازم است تا بر اساس نظم فوق، تغییرات لازم در «جایگاه» هر یک از عبارات بیانیه اعمال شود و فرازها بر مبنای نظم منطقی جابجا شوند. یعنی بیانیه با همان عبارات اما در نظم جدیدی که اقتضای عناوین ساختاری و فرعی و تبعی است، بازنویسی شود.

نتایج و آثار فهم قاعده‌مند

نتیجه این هفت فعالیت، پایان مرحله اول یعنی «تقریر قاعده‌مند» از بیانیه گام دوم انقلاب است. دستیابی به این تقریر به صورت استدلالی و با توجه به دسته‌بندی ارائه شده توسط مولف و حمایت از آن توسط مراکز علمی، آثار و نتایج مهمی در پی دارد که یکی از آنها، شکل‌گیری وحدت فکری و فهم نسبتاً مشترک از این بیانیه در میان نخبگان و بالتبع افکار عمومی و همزمان، تبیین نقاط ضعف تقریرهای موجود و منزوی کردن برداشتهای ناقص، خطا یا تأویل آمیز از این نوشتار مهم است. اثر دیگری که بر «تقریر قاعده‌مند» مترتب است، شکل‌گیری یک معیار برای «مدیریت تحقیقات» مربوط به این بیانیه است. یعنی هنگامی که یک جمع‌بندی نظام‌مند از بیانیه ارائه شود و از این طریق، نسبت بین مفاهیم آن و ارزش و وزن و ضریب هر یک از آنها معلوم گردد، آنگاه می‌توان موضوعات تحقیق را به ترتیب اهمیت تعیین کرد و بر اساس آن، به درجه اهمیت هر یک از تحقیقات انجام‌شده پیرامون بیانیه پی برد و بر این اساس، به آنها نمره داد و میزان تخصیص لازم امکانات و مقدمات به هر یک از موضوعات تحقیق را معین نمود و قیود و شرایط لازم برای اعتبار تحقیقات را مشخص کرد و البته همه این قضاوت‌ها را به متن بیانیه و غرض مولف آن مستند دانست. به عنوان نمونه، ممکن است که تحقیق مفصلی پیرامون یکی از فرازهای بیانیه انجام شود که این فراز بر اساس تقریر قاعده‌مند، یکی از عناوین تبعی (که مثلاً با شماره ۱/۲/۱ ارزش‌گذاری شده) ارزیابی شده باشد. در این صورت، اولاً این تحقیق در مقایسه با تحقیقی که پیرامون عناوین فرعی (عنوان شماره ۱/۲) یا ساختاری (عنوان شماره ۱) انجام شده باشد، اهمیت کمتری دارد و نمره پایین‌تری می‌گیرد. همچنان که برای اعتبار آن، باید میزان توجه تحقیق به عنوان فرعی (شماره ۱/۲) یا عنوان ساختاری (شماره ۱) و رعایت قیودی که در این عناوین حاکم وجود داشته، معلوم گردد. در مقابل، تحقیق کوتاهی که درباره عنوان اصلی یا یکی از عناوین ساختاری انجام شده باشد، در واقع به مفاهیمی پرداخته که از ارزش بیشتری برخوردار هستند و قیدی برای همه مفاهیم ذیل خود قرار می‌گیرند و در آنها جاری می‌شوند و لذا چنین تحقیقی از اهمیت و نمره بالاتر و تخصیص مقدمات بیشتری بهره خواهد برد. با این توضیحات، میزان ارزش تحقیقاتی که به استخراج چند صد نکته از بیانیه مباحث می‌کنند و هیچ نسبتی بین آنها برقرار نمی‌کنند و خود و مخاطبین را در سرگردانی نسبت به مفاهیم متکثر جمع‌بندی‌نشده رها مینمایند، معلوم می‌شود!

این نحوه از تقریر علاوه بر آثار فوق، می‌تواند معیاری برای قضاوت نسبت به «تحلیل‌های ارائه‌شده پیرامون بیانیه» نیز قرار بگیرد. البته روشن است که «تحلیل» به معنای اضافه‌شدن مفاهیمی از سوی تحلیل‌گر به متن مورد بحث (و نه تکرار عین مباحث متن) است اما بهر حال باید میزان قرب و بُعد تحلیل نسبت به متن مورد نظر مشخص شود. یعنی بر اساس این تقریر می‌توان معین

کرد که هر تحلیل‌گر، به چه نقاطی از بیانیه پرداخته و از کدام نقاط بحث نکرده و بر این اساس، ارزش و اهمیت و فراگیری یا خرد بودن تحلیل او را تعیین نمود و به آن نمره داد. همچنین با تکیه بر این تقریر، می‌توان مشخص کرد که هر تحلیل‌گر در بحث خود، به قبض و بسط مفهوم اصلی همان بخش پرداخته و یا به تحلیل مفاهیم فرعی و تبعی آن بخش اکتفا کرده یا در قبض و بسط هر بخش، در راستای غرض مولف از آن بخش حرکت کرده و آن را تفصیل داده و تکمیل کرده یا برخلاف آن حرکت کرده و با تحلیل خود موجب تأویل و تحریف معنوی شده یا همان مفهوم را تکرار کرده و اساساً مطلب تحلیلی ارائه نکرده است.

با این توضیحات روشن می‌شود که «تقریر قاعده‌مند از بیانیه» در واقع پیش‌نیاز اساسی برای «مدیریت تحقیقات» نسبت به این بیانیه است و با تکیه به خود متن، معیارهایی را برای قضاوت مستدلّ و غیرسلیقه‌ای درباره تقریرها و تحلیل‌های موجود پیرامون بیانیه ارائه می‌کند و میزان قرب و بُعد آنها را به غرض مولف و روح حاکم بر بیانیه معین می‌نماید. البته برای اهل دقت واضح است که این توانایی، عملاً سررشته‌ی «مدیریت تحقّق» بیانیه و عملیاتی‌کردن آن را هم در دست می‌گیرد؛ چرا که تحقق هر هدفی در جوامع امروزی، وابسته به تحلیل‌های تخصصی و بررسی‌های کارشناسی است.

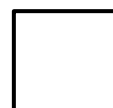
امید است که این تلاش مختصر، باعث نصرت و یاری علمی به منزلت منیع «نیابت عامّه حضرت ولی عصر» گردد و از این طریق، موجبات جلب رضایت حضرت بقیه‌الله‌الاعظم را فراهم آورد و برای قضاوت نسبت به تقریرها و تحلیل‌های موجود درباره بیانیه، به کار گرفته شود و در مرحله «مدیریت تحقیق» و «مدیریت تحقّق» بیانیه گام دوم انقلاب نیز تداوم یابد.

۱. تقریر قاعده مند از بیانیه در قالب تصاویر

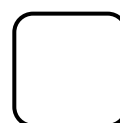
راهنمای تصاویر



عنوان اصلی:

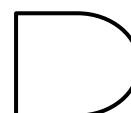


عناوین ساختاری:



محتوای

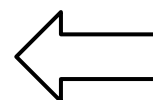
عناوین ساختاری:



عناوین فرعی:



عناوین تبعی:



تعیین محتوا:



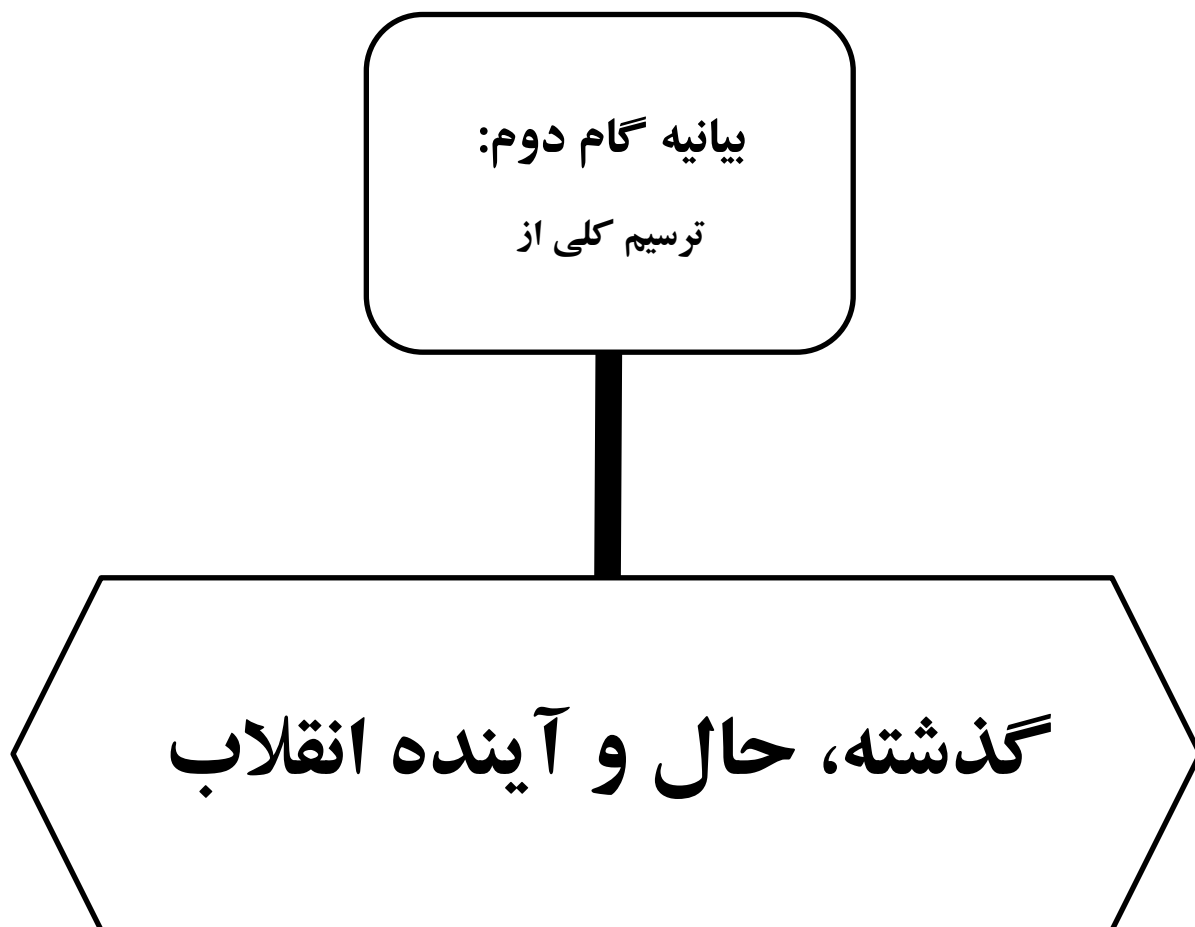
روند تبدیل مفاهیم متکثر

به مفهوم واحد مرکب:

رنگ: گذشته: آبی / حال: نارنجی / آینده: سبز

جمع‌بندی بیانیه گام دوم در کلام مقام رهبری امام خامنه‌ای حفظه الله:^۱
«بیانیه‌ی گام دوم، یک ترسیم کلی از گذشته و حال و آینده‌ی انقلاب بوده. خب چهل سال [از انقلاب] گذشته - یک ترسیم کلی است، وارد جزئیات نشدیم - یک تصویرسازی کلی شده راجع به مسائل اصلی انقلاب».
بر اساس این فرمایش، «ترسیم کلی از گذشته، حال و آینده انقلاب» به مثابه «عنوان اصلی بیانیه» تلقی می‌شود.

شکل شماره ۱) تعیین عنوان اصلی بیانیه (بر اساس کلام معظم رهبری)



مقام معظم رهبری: «چهار نقطه‌ی به‌اصطلاح اصلی در این بیاتیه مورد تأکید بوده:

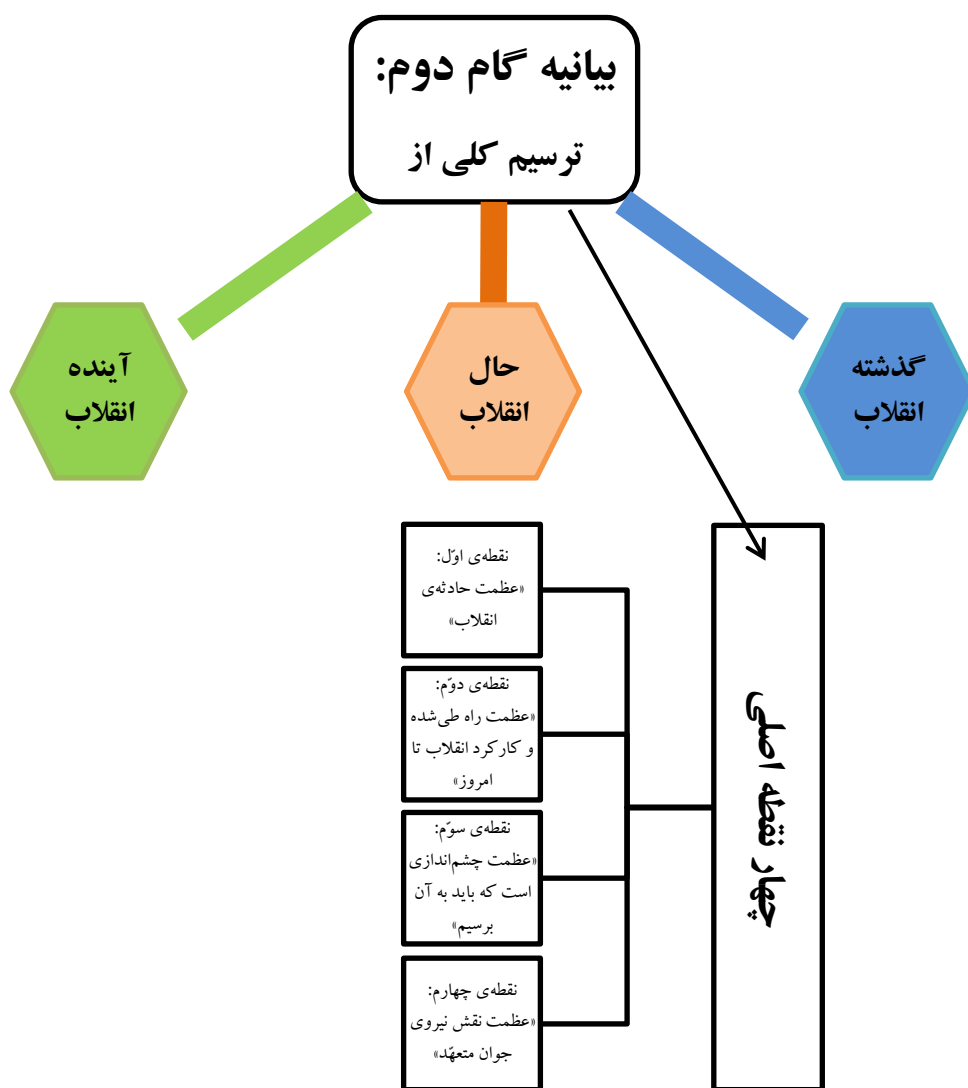
نقطه‌ی اول: «عظمت حادثه‌ی انقلاب»؛ خیلی‌ها به این توجه نمی‌کنند، خواستیم به این توجه بشود، دقت بشود: حادثه‌ی انقلاب؛ هم خود پدید آمدن انقلاب در این نقطه‌ی مشخص جغرافیایی و در آن برهه‌ی مهم تاریخی، و بعد، ماندگاری انقلاب؛ بنابراین این یک نقطه است: عظمت انقلاب، هم از لحاظ وقوع، هم از لحاظ ماندگاری.

نقطه‌ی دوم: «عظمت راه طی شده و کارکرد انقلاب تا امروز»؛ [یعنی] نقطه‌ی مقابل حرف آن کسانی که اصرار دارند بگویند انقلاب نتوانسته کارکردی از خودش نشان بدهد. بنده در این بیاتیه این را -البته به طور مجمل و کوتاه- بیان کردم که نخیر، انقلاب کارکرد کاملاً برجسته و ممتاز در زمینه‌های گوناگون داشته؛ هم در زمینه‌ی سیاسی، هم در زمینه‌ی اجتماعی، هم در زمینه‌ی علمی، هم در زمینه‌ی عدالت، هم در زمینه‌ی آزادی. انقلاب در زمینه‌ی همه‌ی خواسته‌های مهم بشری و ملی و بین‌المللی کارکردهای برجسته‌ای داشته. پس نقطه‌ی دوم، عظمت کارکردهای انقلاب.

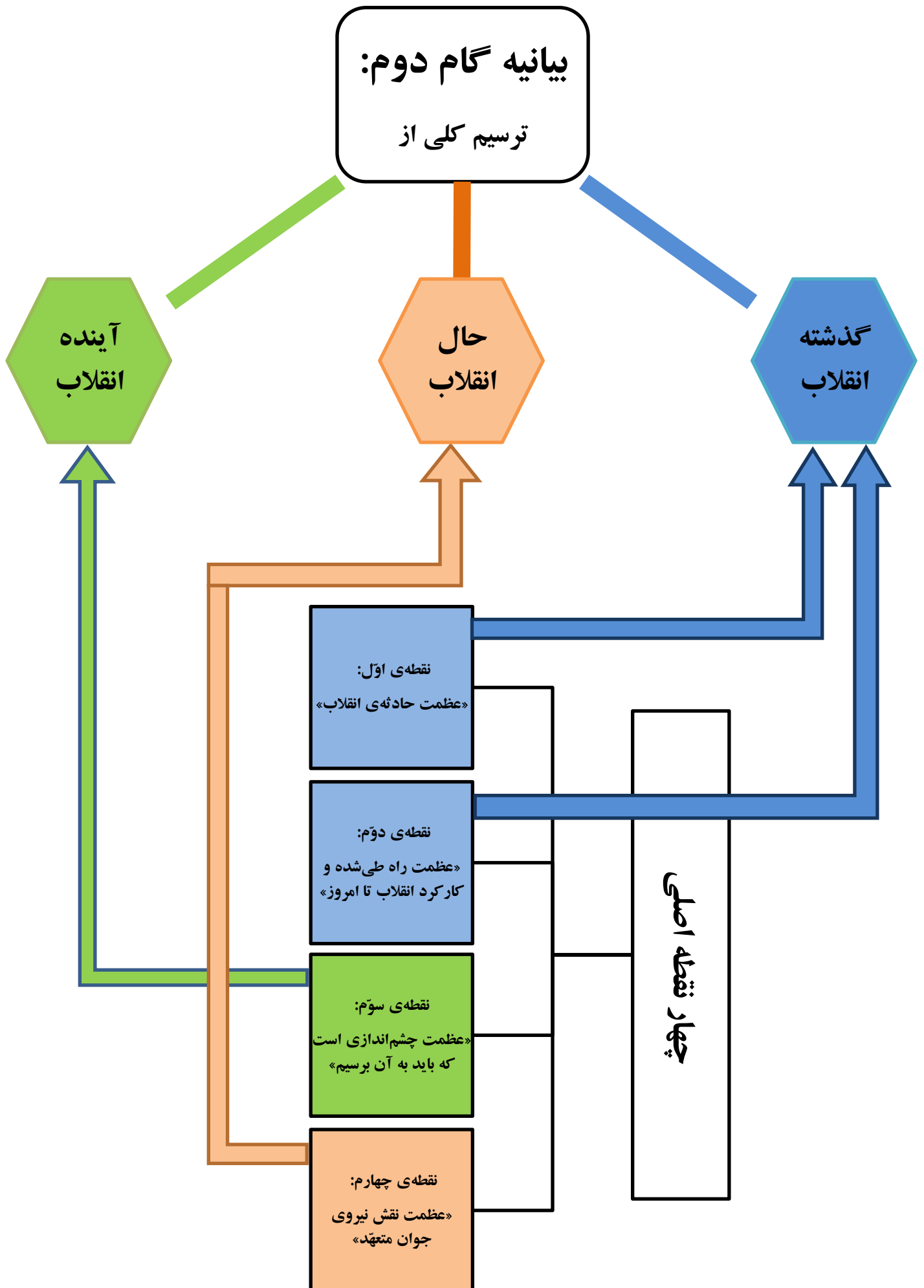
نقطه‌ی سوم «عظمت چشم‌اندازی است که باید به آن برسیم»؛ اینکه ما به کجا می‌خواهیم برسیم، می‌خواهیم چه کار کنیم، هدف ما کجا است. نقطه‌ی چهارم: «عظمت نقش نیروی جوان متعهد»؛ نه هر جوانی؛ جوانی که احساس تعهد کند، احساس مسئولیت کند. عظمت نقش این قشر یعنی جوان متعهد در این مسیری که در پیش رو داریم و در رسیدن به آن چشم‌انداز مورد نظر^۱.

بر اساس این فرمایش، «عظمت حادثه انقلاب»، «عظمت کارکرد انقلاب»، «عظمت چشم‌انداز آینده» و «عظمت نقش نیروی جوان متعهد» به مثابه «عناوین ساختاری» بیانیه محسوب می‌شود.

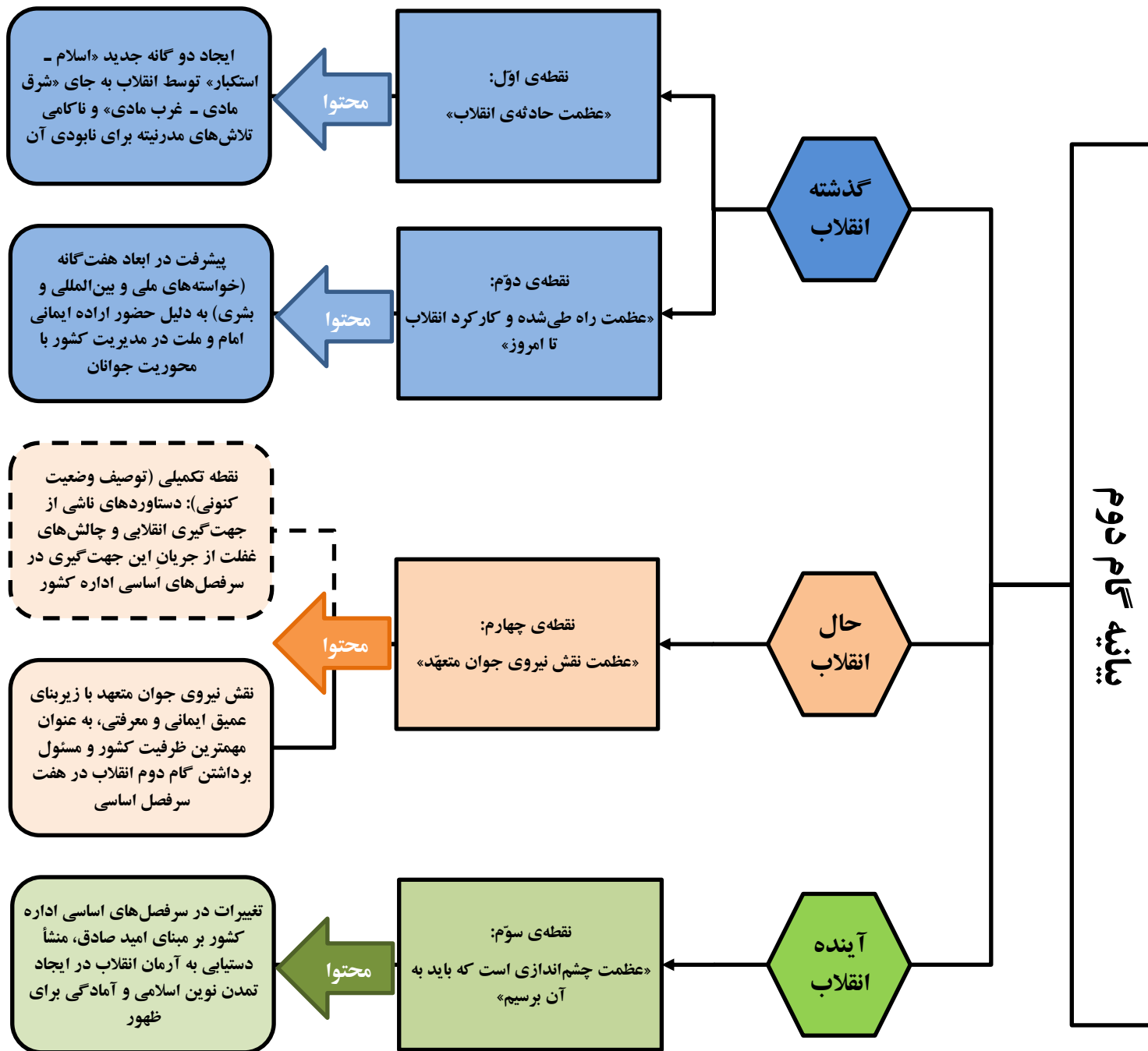
شکل شماره ۲) تعیین عناوین ساختاری بیانیه (بر اساس کلام معظم رهبری)



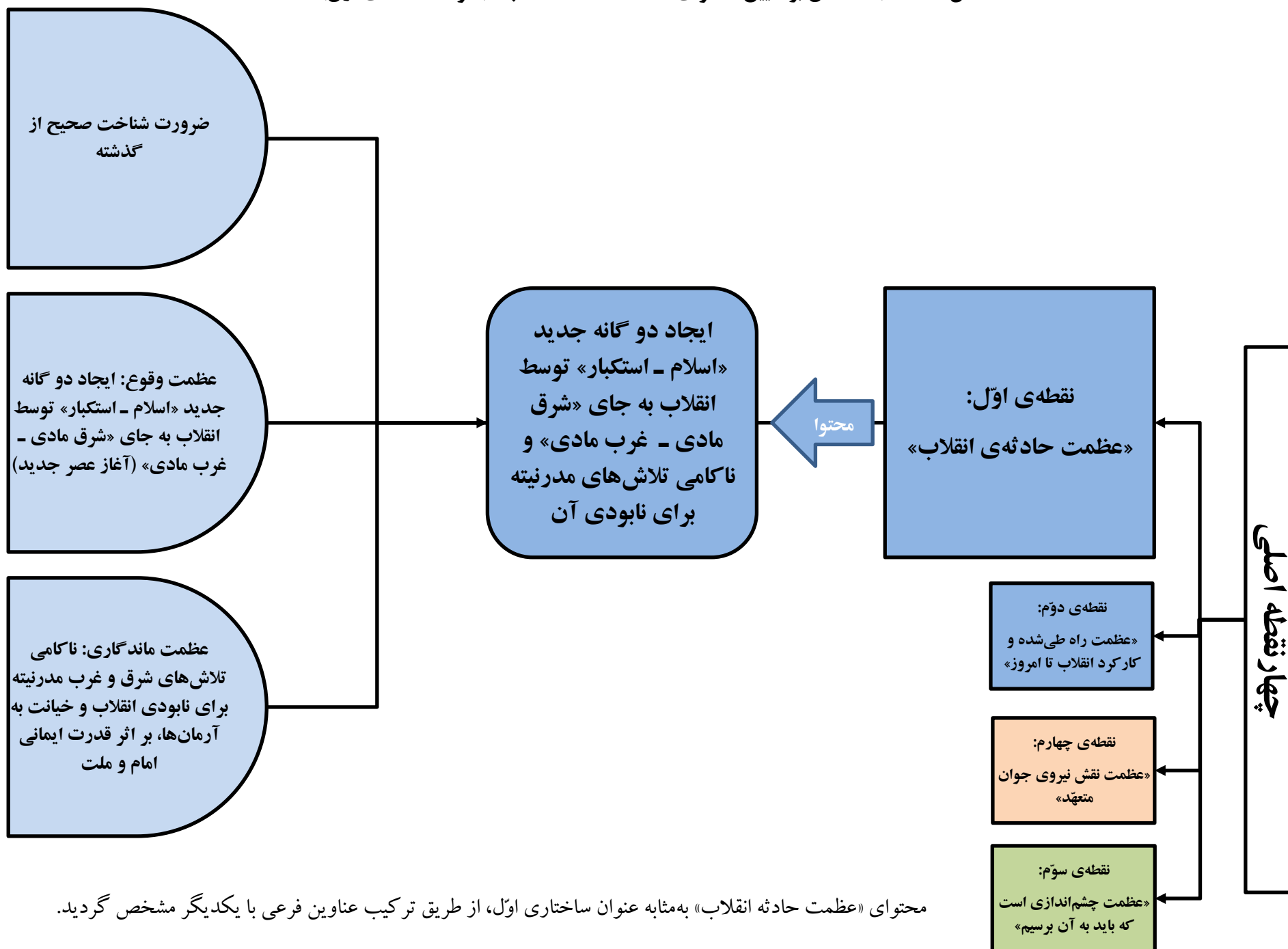
۱-بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در شانزدهمین روز از ماه مبارک رمضان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱.



شکل شماره ۴) تعیین محتوای عناوین ساختاری

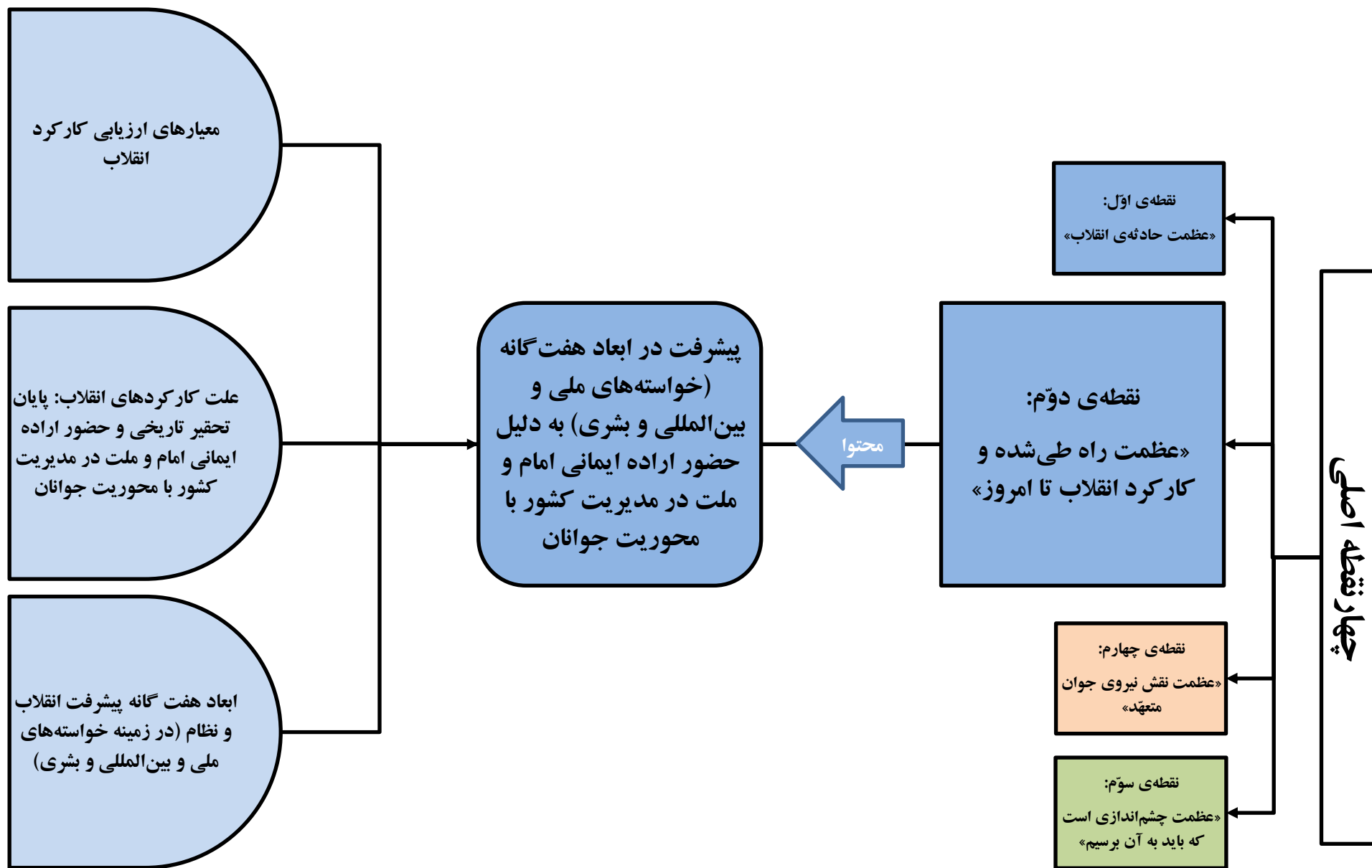


شکل شماره ۵) استدلال بر تعیین محتوای «عظمت حادثه انقلاب» (عنوان ساختاری اوّل)



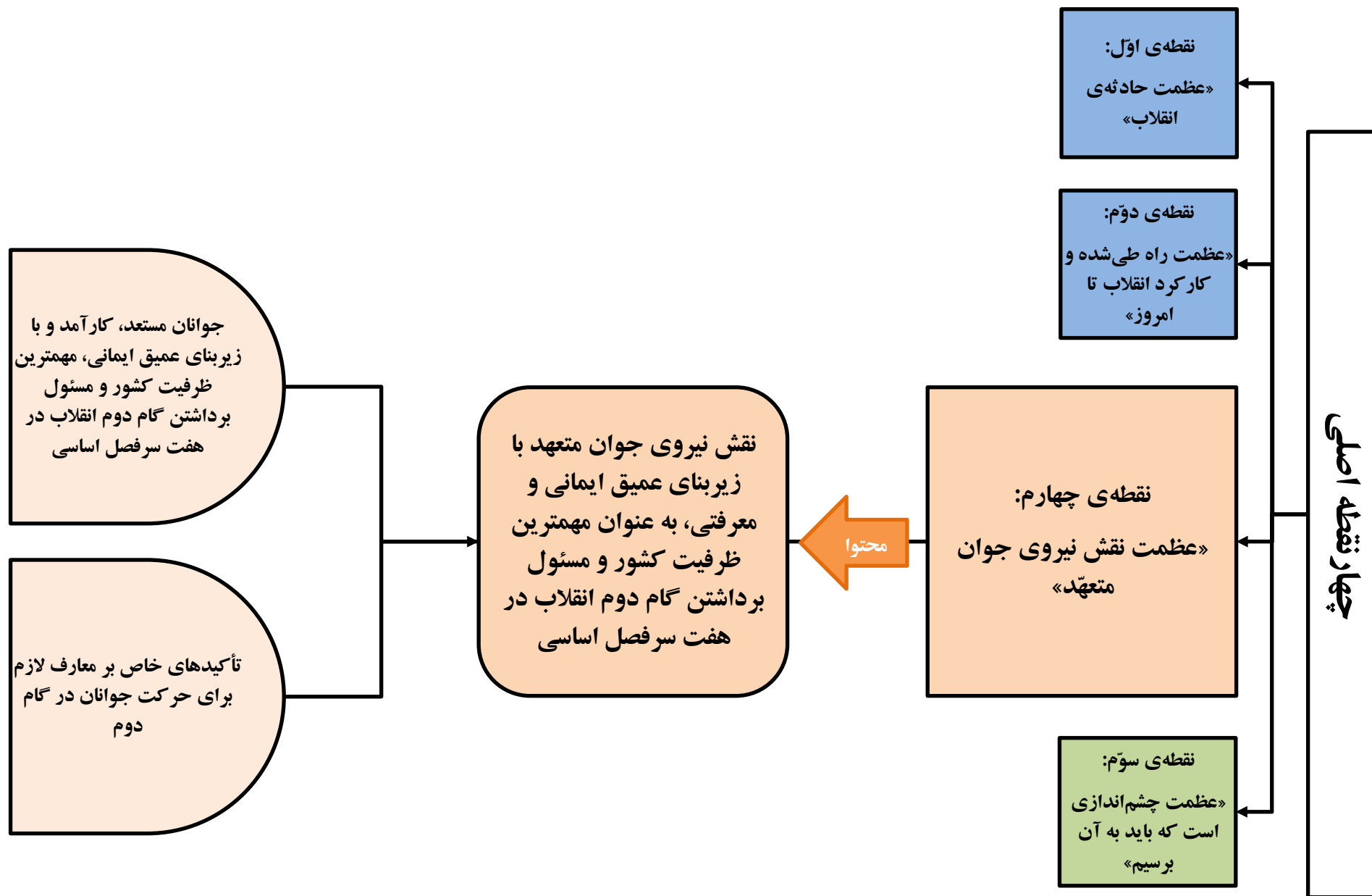
محتوای «عظمت حادثه انقلاب» به‌مثابه عنوان ساختاری اوّل، از طریق ترکیب عناوین فرعی با یکدیگر مشخص گردید.

شکل شماره ۶) استدلال بر تعیین محتوای «عظمت کارکرد انقلاب» (عنوان ساختاری دوّم)



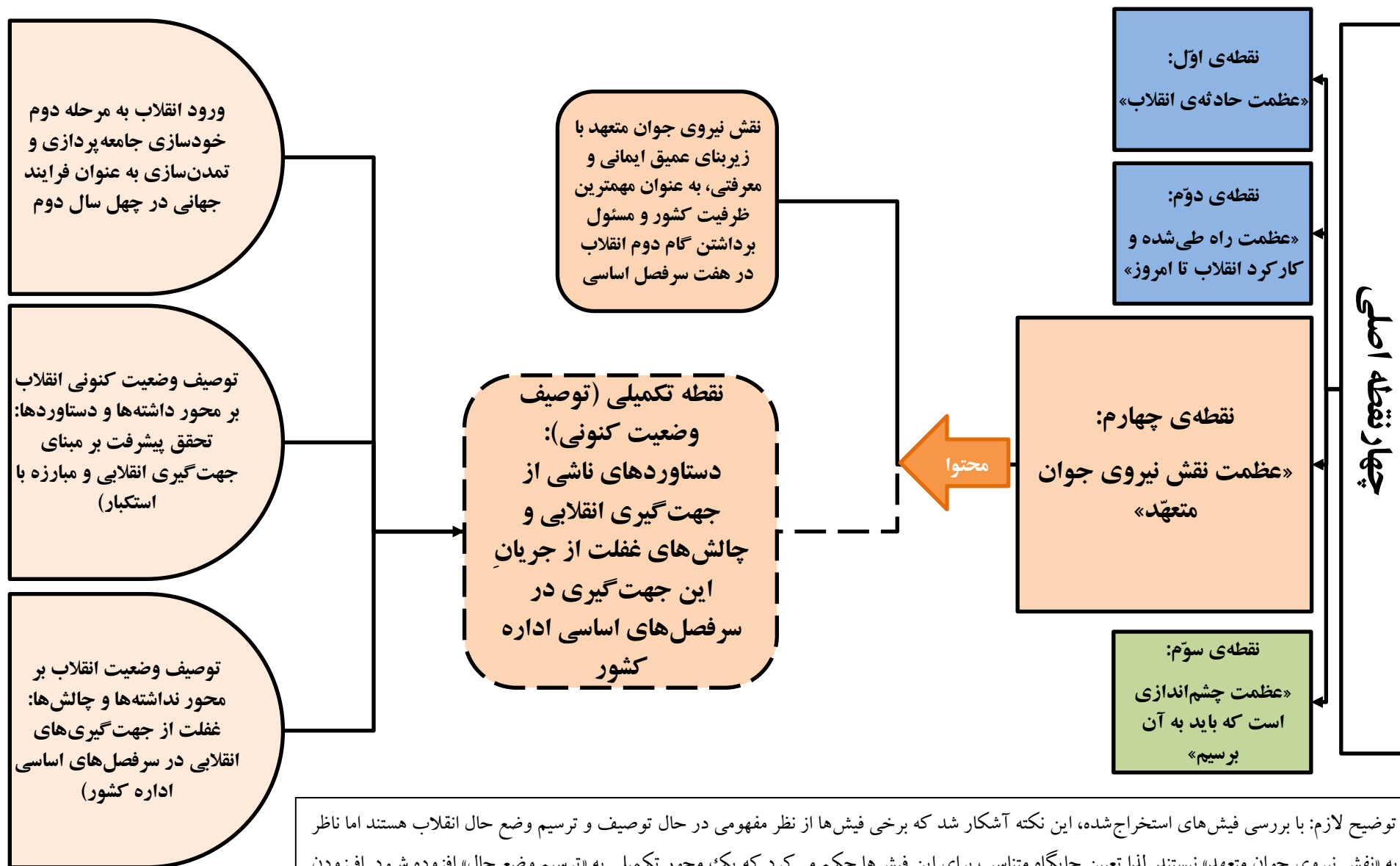
محتوای «عظمت کارکرد انقلاب» به مثابه عنوان ساختاری دوّم، از طریق ترکیب عناوین فرعی با یکدیگر مشخص گردید.

شکل شماره ۷) استدلال بر تعیین محتوای «عظمت نقش نیروی جوان متعهد» (عنوان ساختاری سوّم)



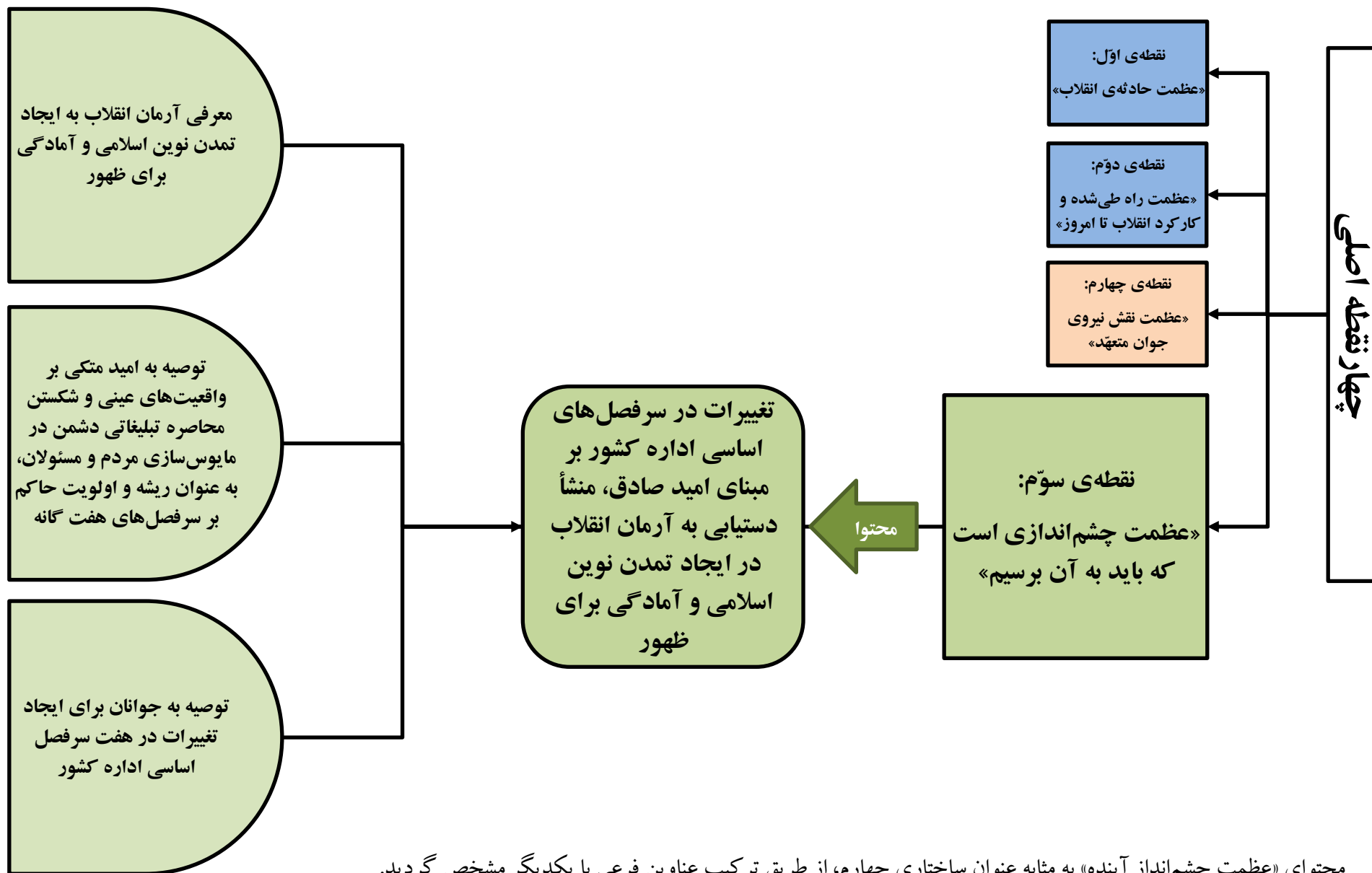
محتوای «عظمت نقش نیروی جوان متعهد» به مثابه عنوان ساختاری سوّم، از طریق ترکیب عناوین فرعی با یکدیگر مشخص گردید.

شکل شماره ۸) استدلال بر ضرورت افزودن «نقطه تکمیلی» به محتوای عنوان ساختاری سوّم

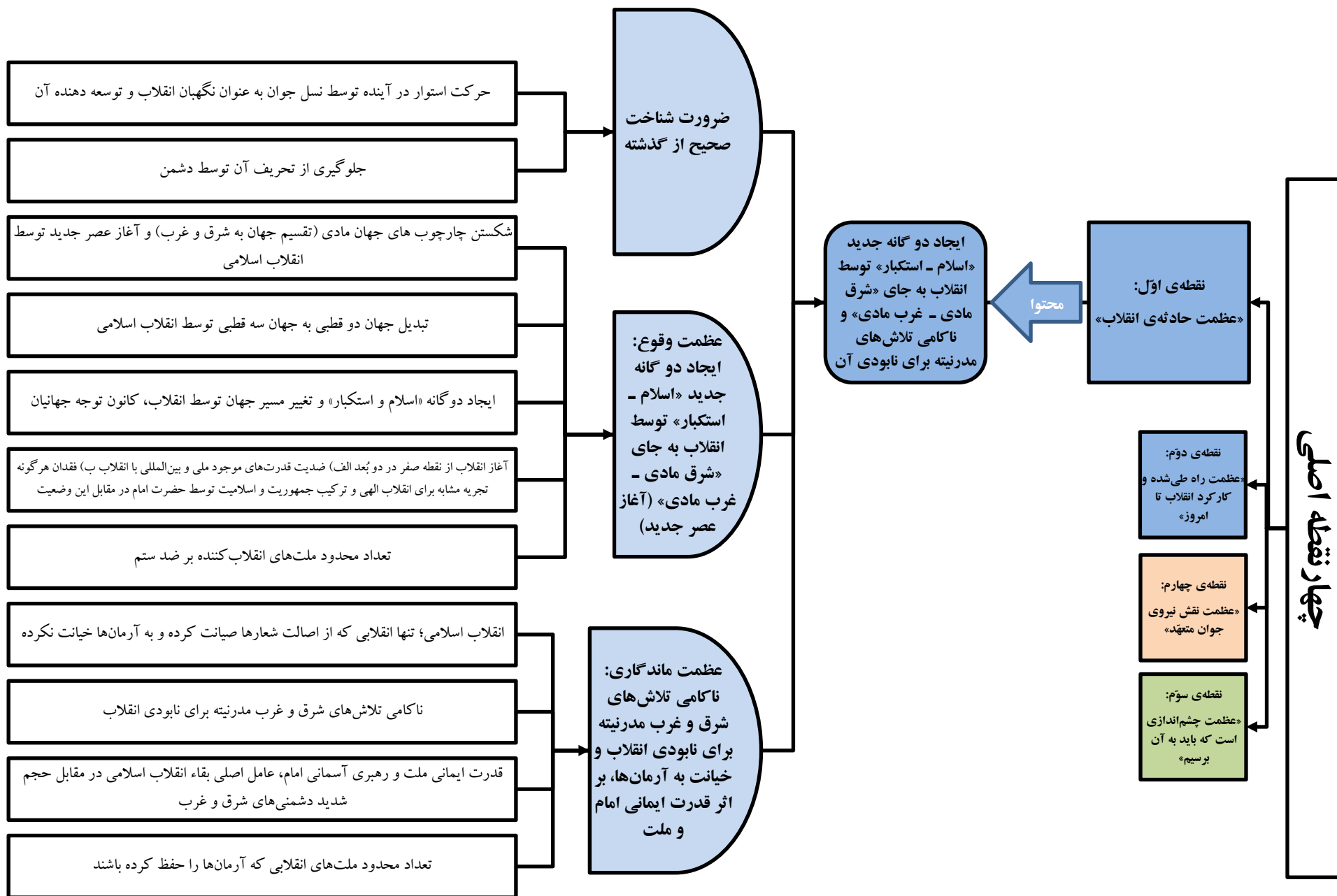


توضیح لازم: با بررسی فیش های استخراج شده، این نکته آشکار شد که برخی فیش ها از نظر مفهومی در حال توصیف و ترسیم وضع حال انقلاب هستند اما ناظر به «نقش نیروی جوان متعهد» نیستند. لذا تعیین جایگاه متناسب برای این فیش ها حکم می کرد که یک محور تکمیلی به «ترسیم وضع حال» افزوده شود. افزودن این محور تکمیلی آنگاه موجه تر می شود که بدانیم حرکت هماهنگ به سوی چشم انداز آینده بدون توصیف دقیق از حال (وضع موجود) عملاً ممکن نیست.

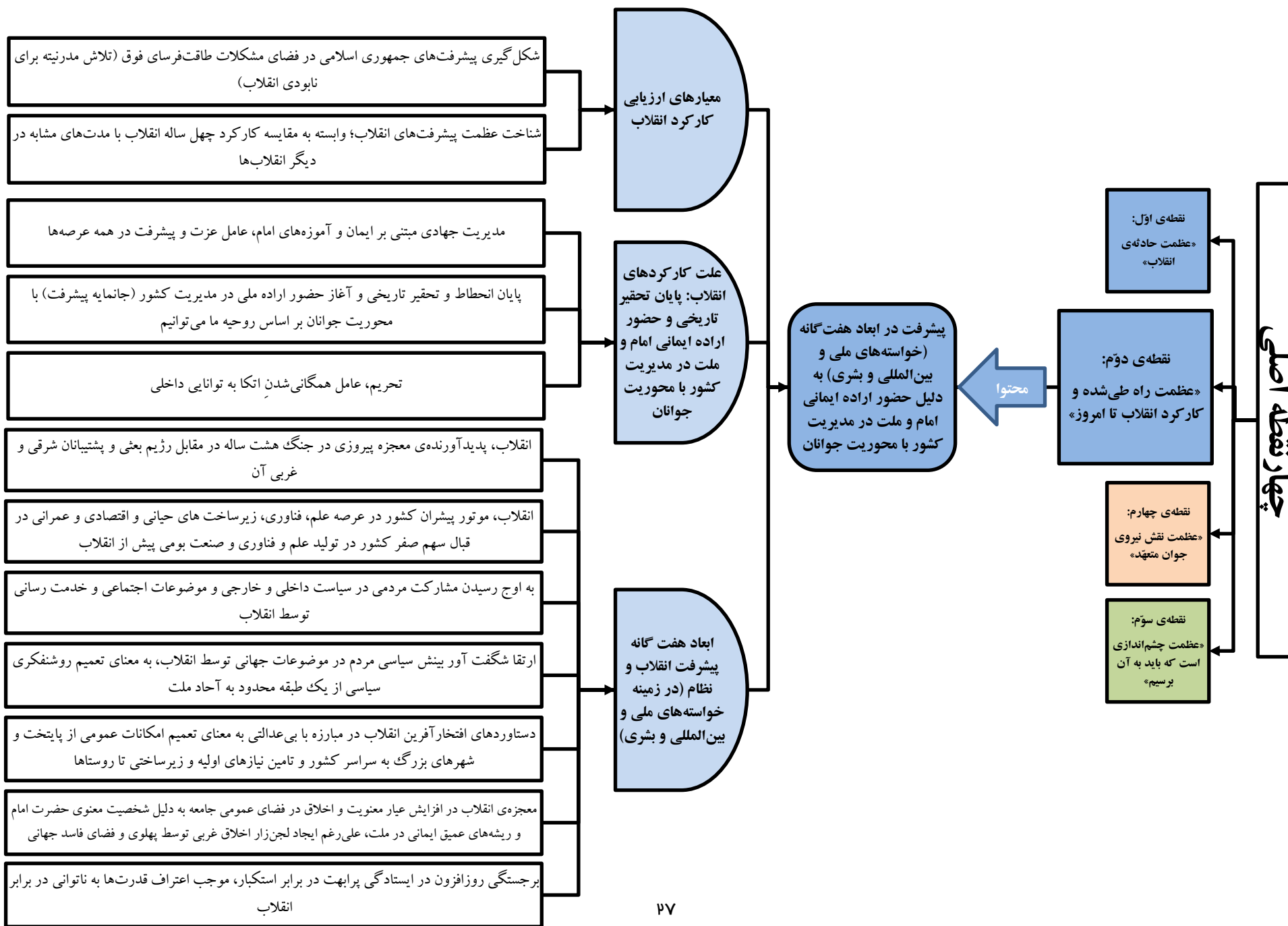
شکل شماره ۹) استدلال بر تعیین محتوای «عظمت چشم‌انداز آینده» (عنوان ساختاری چهارم)



شکل شماره ۱۰) استدلال بر تعیین محتوای «عناوین فرعی» مربوط به «عظمت حادثه انقلاب»
از طریق ترکیب «عناوین تبعی»

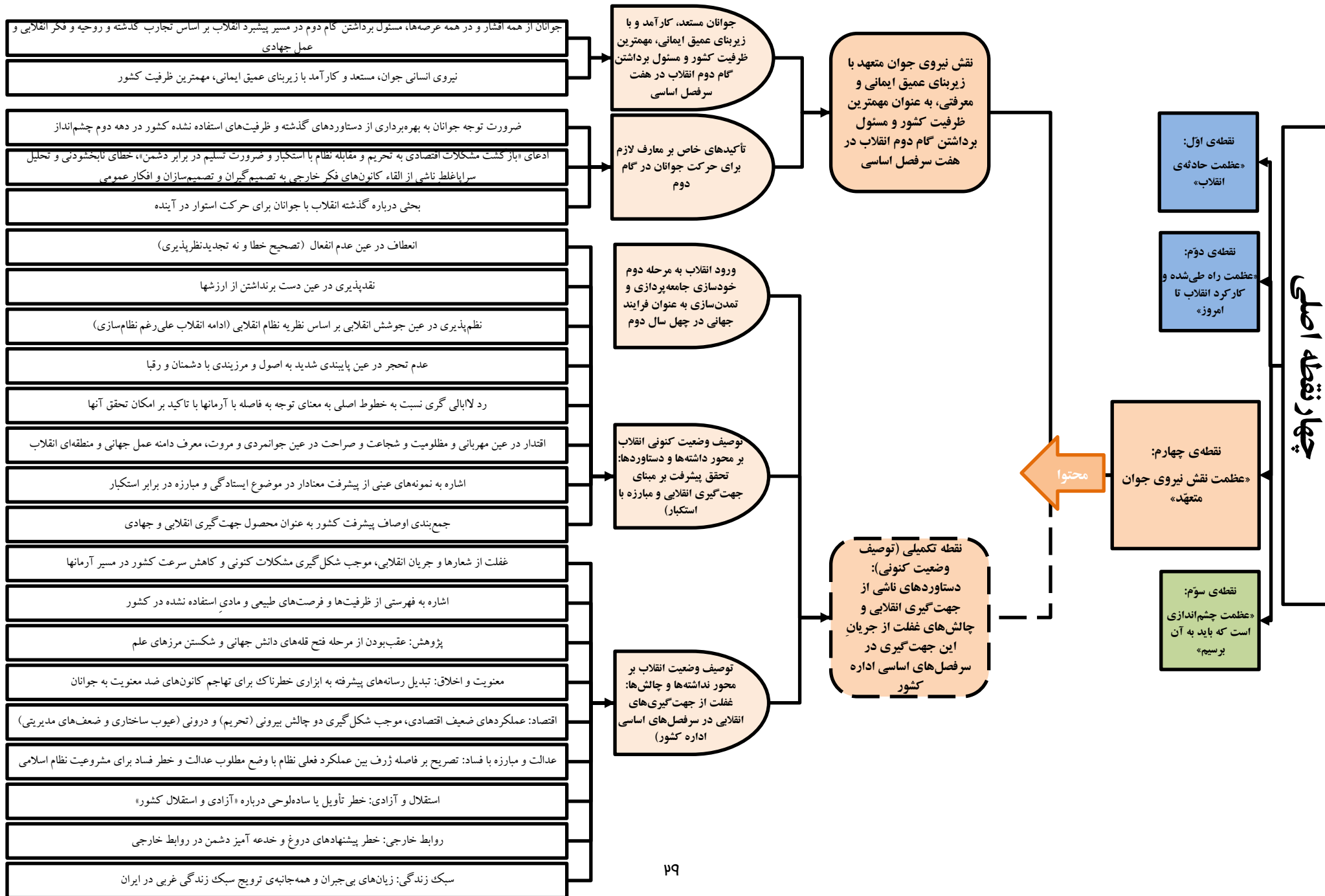


شکل شماره ۱۱) استدلال بر تعیین محتوای «عناوین فرعی» مربوط به «عظمت کارکرد انقلاب»
از طریق ترکیب «عناوین تبعی»

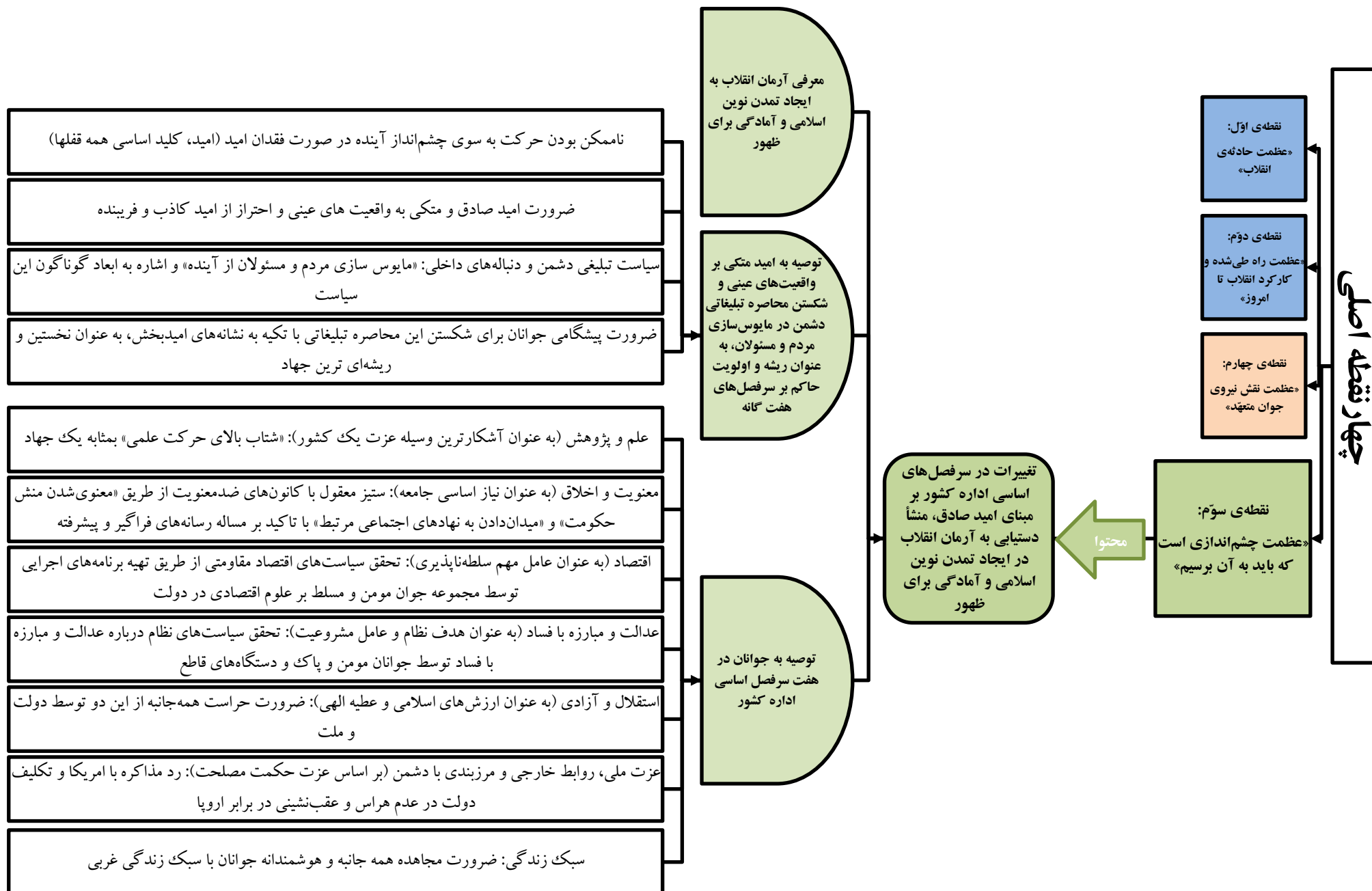


شکل شماره ۱۲) استدلال بر تعیین محتوای «عناوین فرعی» مربوط به «عظمت نقش نیروی جوان متعهد و توصیف وضعیت کنونی»

از طریق ترکیب «عناوین تبعی»

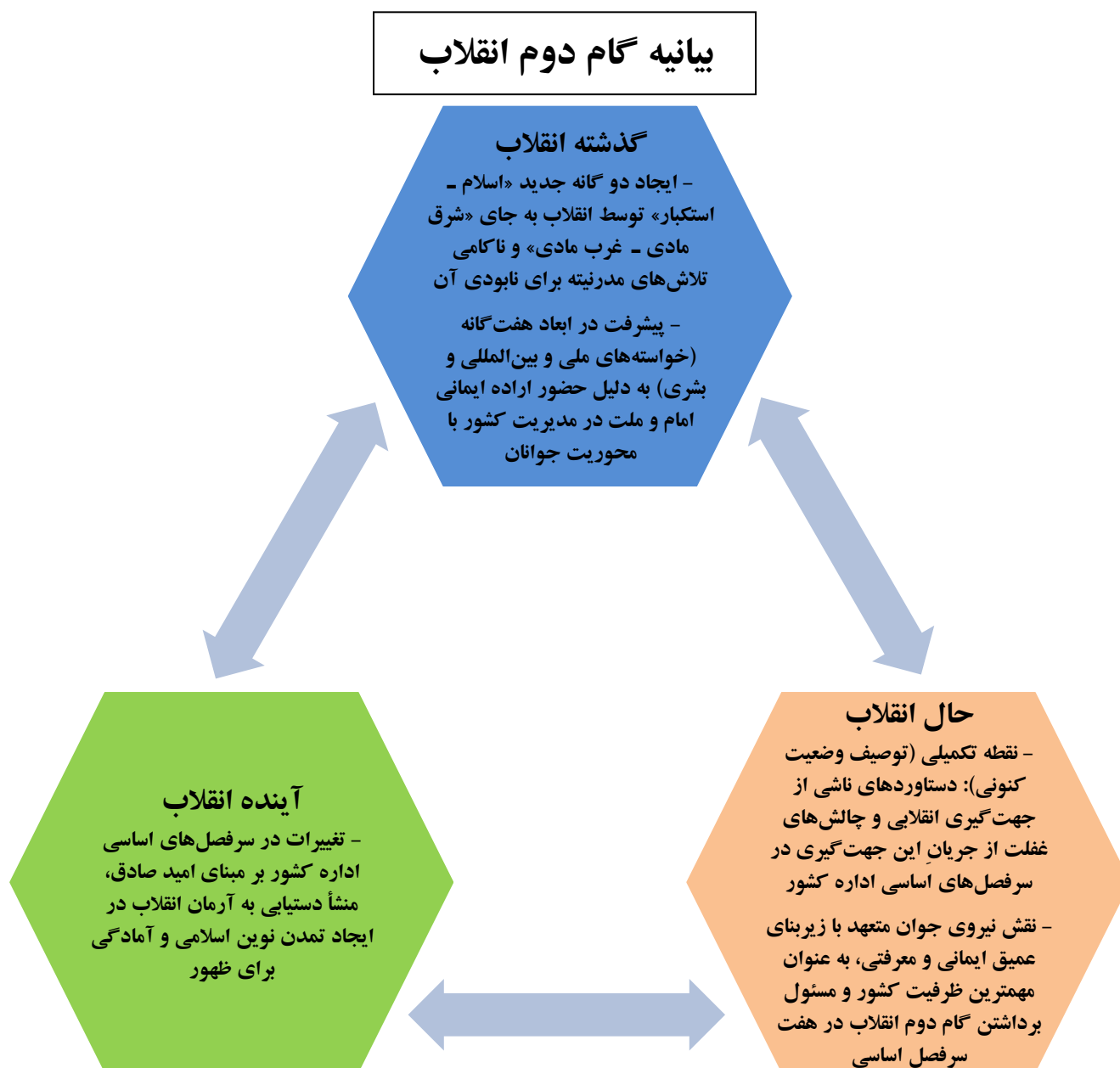


شکل شماره ۱۳) استدلال بر تعیین محتوای «عناوین فرعی» مربوط به «عظمت چشم‌انداز آینده»
از طریق ترکیب «عناوین تبعی»



شکل شماره ۱۴)

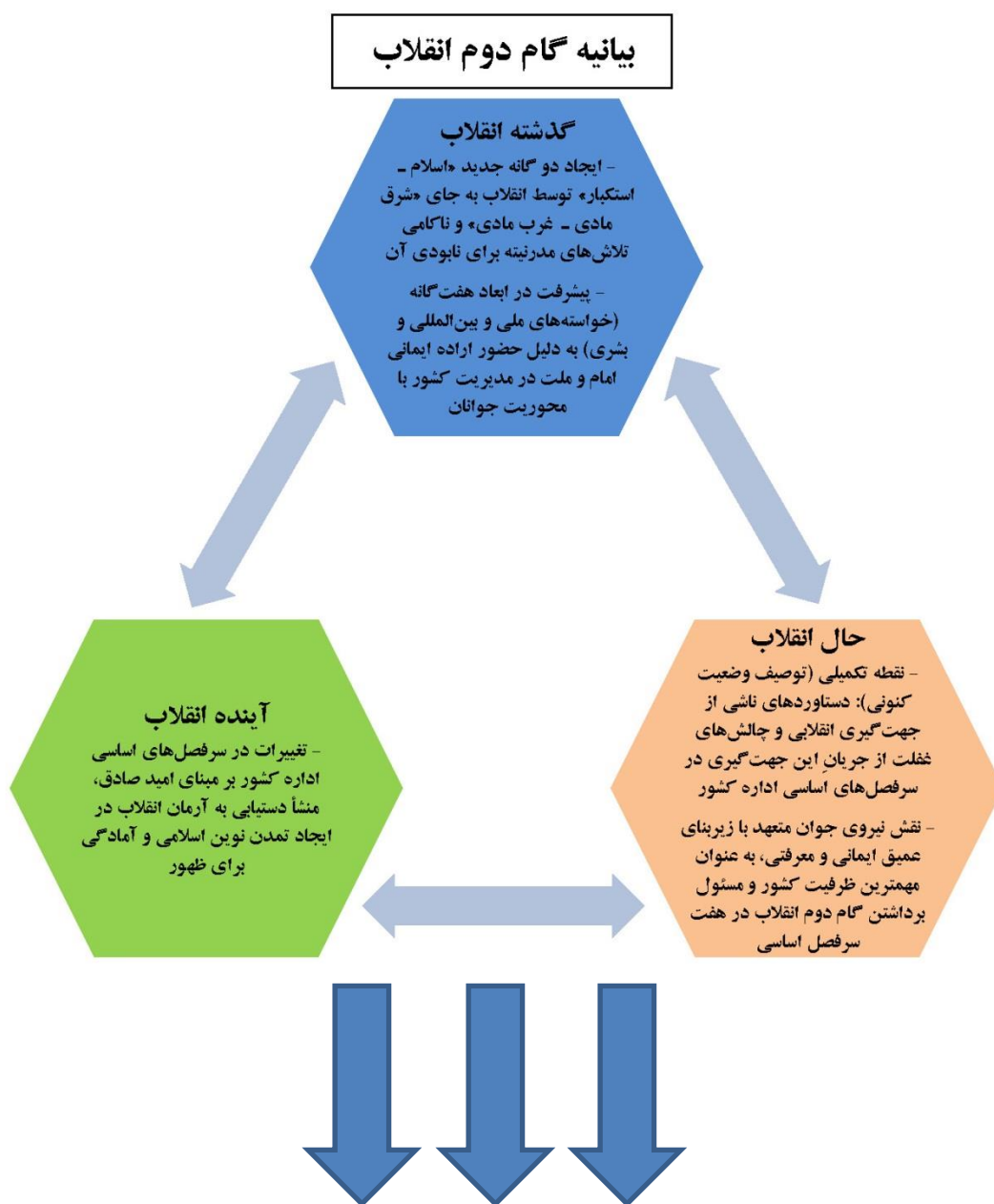
«ضرورت» نسبت‌سنجی و ترکیب مفاهیم مربوط به «گذشته، حال، آینده انقلاب»
برای دستیابی به «محتوای عنوان اصلی» به مثابه دالّ مرکزی بیانیه



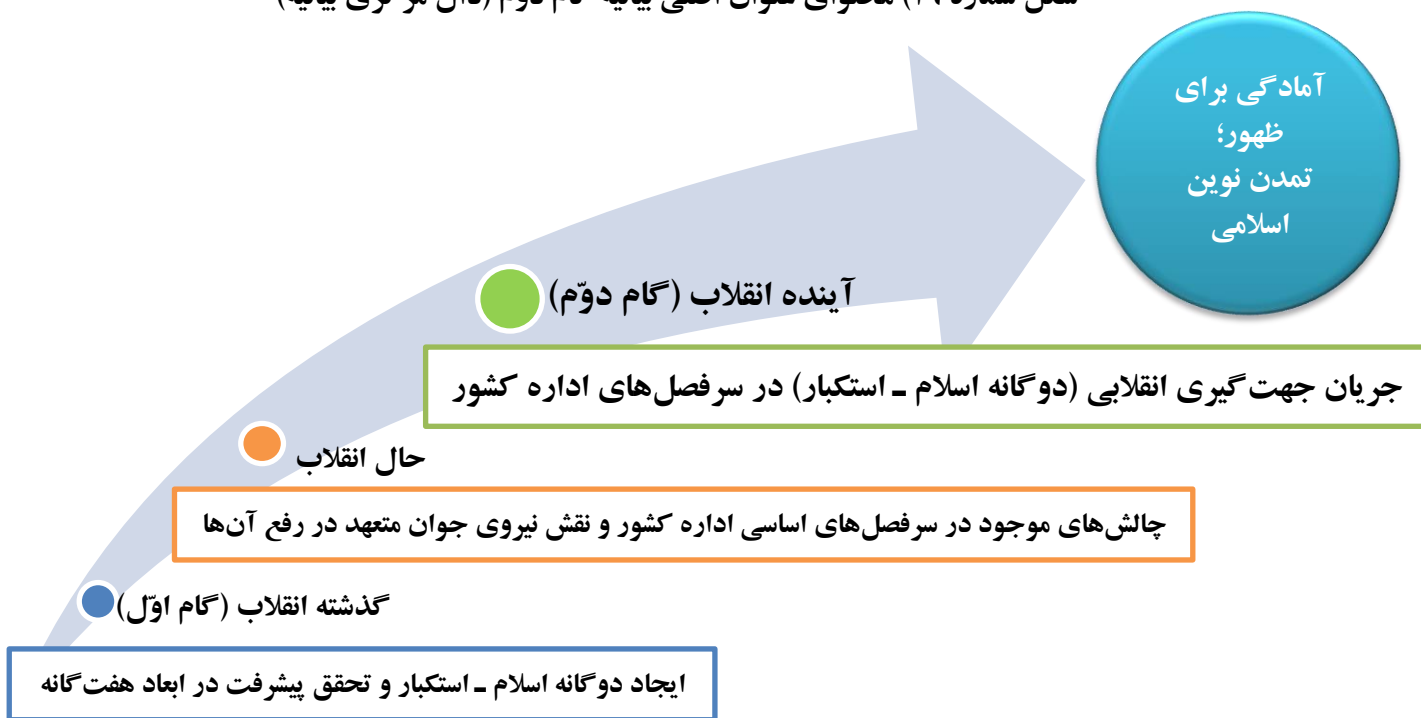
پس از تبدیل مفاهیم متعدد به سه مفهوم باید توجه داشت که مولف بیانیه، به دنبال طرح سه مطلب منفکّ و جدا از یکدیگر نبوده بلکه گذشته و حال و آینده انقلاب را به مثابه سه مفهوم مرتبط به یکدیگر مطرح کرده که اینک در واقعیت خارجی نیز، گذشته و حال و آینده انقلاب از یکدیگر گسسته نیست. پس این سه مفهوم نیز باید نسبت به یکدیگر سنجیده شوند تا یک مفهوم واحد مرکّب پدید آید؛ چون غرض اصلی گوینده، «یک مفهوم واحدِ مرکّب» است و نه «سه مفهوم بُریده و غیرمرتبط به هم».

شکل شماره ۱۵)

«نتیجه» نسبت‌سنجی و ترکیب مفاهیم مربوط به «گذشته، حال، آینده انقلاب»
برای دستیابی به «محتوای عنوان اصلی» به مثابه دال مرکزی بیانیه



گام دوم: جریان جهت‌گیری انقلابی (دوگانه اسلام - استکبار) در سرفصل‌های اداره کشور



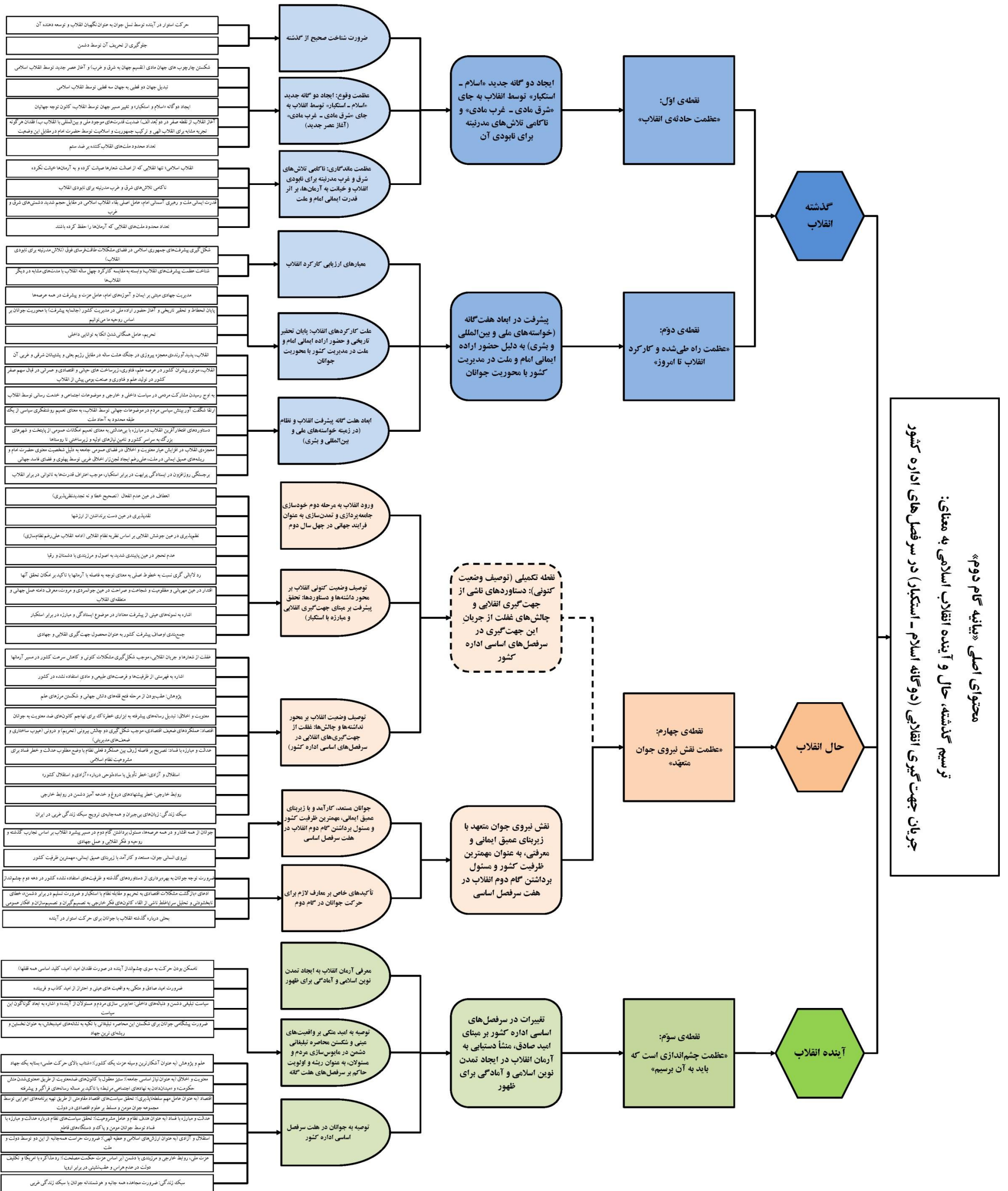
گام دوم: جریان جهت گیری انقلابی (درگیری اسلام با استکبار) در سرفصل های اداره کشور

انقلاب اسلامی در گام اول خود (گذشته) تقسیم عالم به شرق و غرب مادی را شکست و دوگانه اسلام و استکبار را پدید آورد و تلاش های مدرنیته برای نابودی اش را ناکام گذاشت و با همین جهت گیری ایمانی و محوریت جوانان موفق شد پیشرفت هایی را در ابعاد هفت گانه رقم بزند. اما برای برداشتن گام دوم در مسیر حرکت به سمت آمادگی برای ظهور از طریق ایجاد تمدن نوین اسلامی (آینده)، با چالش هایی^۱ روبروست. منشأ این چالش ها، این واقعیت است که همان جهت گیری انقلابی - که گام اول را رقم زد - در هفت سرفصل اساسی اداره کشور جریان نیافته است (حال). لذا جوانان متعهد به عنوان مهمترین ظرفیت کشور باید با امید صادق، شانه های خود را به زیر بار مسئولیت «تحقق جهت گیری انقلابی در سرفصل های اداره کشور» بدهند تا با حصول اهداف معین شده^۲ در هر یک از سرفصل های هفت گانه، گام دوم انقلاب برداشته شود.

۱ - عقب بودن از مرحله فتح قله های دانش جهانی و شکستن مرزهای علم؛ تبدیل رسانه های پیشرفته به ابزاری خطرناک برای تهاجم کانون های ضد معنویت به جوانان؛ شکل گیری دو چالش بیرونی (تحریم) و درونی (عیوب ساختاری و ضعف های مدیریتی). بر اثر عملکردهای ضعیف اقتصادی؛ فاصله ژرف بین عملکرد فعلی نظام با وضع مطلوب عدالت و خطر فساد برای مشروعیت نظام اسلامی؛ خطر تأویل یا ساده لوحی درباره «آزادی و استقلال کشور»؛ خطر پیشنهادهای دروغ و خدعه آمیز دشمن در روابط خارجی؛ زبان های بی جبران و همه جانبه ی ترویج سبک زندگی غربی در ایران. (بر اساس توصیه های هفت گانه)

۲ - شتاب بالای حرکت علمی؛ ستیز معقول با کانون های ضد معنویت از طریق «معنوی شدن منش حکومت» و «میدان دادن به نهادهای اجتماعی مرتبط»؛ تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی از طریق تهیه برنامه های اجرایی توسط مجموعه جوان مومن و مسلط بر علوم اقتصادی در دولت؛ تحقق سیاست های نظام درباره عدالت و مبارزه با فساد توسط جوانان مومن و پاک و دستگاه های قاطع؛ اجرای سیاست نظام مبنی بر «توجه به محرومین؛ رفع شکاف عمیق طبقاتی و تبعیض در توزیع منابع عمومی و...» توسط جوانان مومن و کاردان؛ حراست همه جانبه از استقلال و آزادی توسط دولت و ملت؛ رد مذاکره با امریکا و تکلیف دولت در عدم هراس و عقب نشینی در برابر اروپا؛ مجاهده همه جانبه و هوشمندانه با سبک زندگی غربی. (بر اساس توصیه های هفت گانه)

شکل شماره ۱۷) نمایی کلان از روند دستیابی به «محتوای عناوین فرعی و ساختاری» و اندراج آنها در «محتوای عنوان اصلی»



هر گوینده در کلام خود، مفاهیم مختلفی را به مخاطبین منتقل می‌کند اما ارزش و اهمیت همه این مفاهیم در نظر او، با هم یکسان نیست بلکه انتقال برخی مفاهیم، غرض اصلی او از تکلم هستند و برخی دیگر، زمینه را برای بیان غرض اصلی فراهم می‌کنند. لذا شکل فوق، نشان می‌دهد که ارزش و اهمیت هر یک از مفاهیم بیانیه، به چه میزانی است و همچنین معین می‌کند که چگونه از این مفاهیم مختلف، غرض اصلی گوینده استنباط شده است: ترکیب «عناوین تبعی» با یکدیگر، موجب شکل‌گیری «عناوین فرعی» شده و از نسبت‌سنجی بین عناوین فرعی، «عناوین ساختاری» به دست آمده و سپس عناوین ساختاری، در عنوان اصلی (گذشته، حال، آینده انقلاب) مندرج گردیده است. روند طی شده نشان داد که همه مفاهیم بیانیه چگونه و با چه وسائلی، در یکی از سه بخش «گذشته انقلاب»، «حال انقلاب» و «آینده انقلاب» قرار گرفتند؛ لذا در این شکل، روند تبدیل «مفاهیم متعدد» (که به دهها عنوان می‌رسید) به «سه مفهوم» قابل مشاهده است.

۲. تقریر قاعده‌مند از بیانیہ در قالب عناوین

عنوان اصلی:

ترسیم گذشته، حال و آینده انقلاب

ببینید، «بیانیه‌ی گام دوّم» یک ترسیم کلی از گذشته و حال و آینده‌ی انقلاب بوده. خب چهل سال [از انقلاب] گذشته - یک ترسیم کلی است، وارد جزئیات نشدیم - یک تصویرسازی کلی شده راجع به مسائل اصلی انقلاب.^۱

(شکل شماره ۱)

۱ - بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در شانزدهمین روز از ماه مبارک رمضان ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

عناوین ساختاری:

- عظمت حادثه انقلاب؛
- عظمت کارکرد انقلاب؛
- عظمت نقش نیروی جوان متعهد؛
- عظمت چشم‌اندازی که باید به آن برسیم.

چهار نقطه‌ی به‌اصطلاح اصلی در این بیانیّه مورد تأکید بوده:

نقطه‌ی اوّل: «عظمت حادثه‌ی انقلاب». خیلی‌ها به این توجّه نمیکنند، خواستیم به این توجّه بشود، دقت بشود: حادثه‌ی انقلاب؛ هم خود پدید آمدن انقلاب در این نقطه‌ی مشخص جغرافیایی و در آن برهه‌ی مهمّ تاریخی، و بعد، ماندگاری انقلاب؛ بنابراین این یک نقطه است: عظمت انقلاب، هم از لحاظ وقوع، هم از لحاظ ماندگاری.

نقطه‌ی دوّم: «عظمت راه طی‌شده و کارکرد انقلاب تا امروز»؛ [یعنی] نقطه‌ی مقابل حرف آن کسانی که اصرار دارند بگویند انقلاب نتوانسته کارکردی از خودش نشان بدهد. بنده در این بیانیّه این را -البته به طور مجمل و کوتاه- بیان کردم که نخیر، انقلاب کارکرد کاملاً برجسته و ممتاز در زمینه‌های گوناگون داشته؛ هم در زمینه‌ی سیاسی، هم در زمینه‌ی اجتماعی، هم در زمینه‌ی علمی، هم در زمینه‌ی عدالت، هم در زمینه‌ی آزادی. انقلاب در زمینه‌ی همه‌ی خواسته‌های مهمّ بشری و ملی و بین‌المللی کارکردهای برجسته‌ای داشته. پس نقطه‌ی دوّم، عظمت کارکردهای انقلاب. نقطه‌ی سوّم که در این بیانیّه مورد نظر است، «عظمت چشم‌اندازی است که باید به آن برسیم»؛ اینکه ما به کجا می‌خواهیم برسیم، می‌خواهیم چه کار کنیم، هدف ما کجا است.

و نقطه‌ی چهارم: «عظمت نقش نیروی جوان متعهد»؛ نه هر جوانی؛ جوانی که احساس تعهد کند، احساس مسئولیت کند. عظمت نقش این قشر یعنی جوان متعهد در این مسیری که در پیش رو داریم و در رسیدن به آن چشم‌انداز مورد نظر.

این چهار نقطه‌ای است که ما اینجا خواستیم [بیان کنیم]. البته من عرض کردم به اجمال؛ در یک بیانیّه نمیشود خیلی این چیزها را تفصیل داد -یک کتاب یا دو کتاب باید نوشت- لکن جا برای تفصیل و فکر و مطالعه و تعمیق این حرفها وجود دارد.^۱ (شکل شماره ۲)

۱ - بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در شانزدهمین روز از ماه مبارک رمضان ۱۳۹۸/۰۱

اندراج عناوین ساختاری در عنوان اصلی:

الف) گذشته:

۱/الف. نقطه اول: عظمت اصل انقلاب

۲/الف. نقطه دوم: عظمت کارکرد انقلاب

ب) حال

۱/ب. نقطه تکمیلی: ترسیم وضعیت کنونی انقلاب

۲/ب. نقطه چهارم: عظمت نقش نیروی جوان متعهد

ج) آینده

۱/ج. نقطه سوم: عظمت چشم اندازی که باید به آن برسیم

(شکل شماره ۳)

الحاقیه: مبانی و تعاریف

محتوای عناوین ساختاری

گه‌ششم

- ۱- **عظمت اصل انقلاب:** ایجاد دو گانه جدید «اسلام - استکبار» توسط انقلاب به جای «شرق مادی - غرب مادی» و ناکامی تلاش‌های مدرنیته برای نابودی آن
- ۲- **عظمت کارکرد انقلاب:** پیشرفت در ابعاد هفت گانه (خواسته‌های ملی و بین‌المللی و بشری) به دلیل حضور اراده ایمانی امام و ملت در مدیریت کشور با محوریت جوانان

حاله

- * **محور تکمیلی: توصیف وضعیت کنونی:** دستاوردهای ناشی از جهت‌گیری انقلابی و چالش‌های غفلت از جریان این جهت‌گیری در سرفصل‌های اساسی اداره کشور
- ۳- **عظمت نقش نیروی جوان متعهد:** نیروی جوان با زیربنای عمیق ایمانی و معرفتی، به عنوان مهمترین ظرفیت کشور و مسئول برداشتن گام دوم انقلاب در هفت سرفصل اساسی

آپنده

- ۴- **عظمت چشم‌انداز آینده:** تغییرات در سرفصل‌های اساسی اداره کشور بر مبنای امید صادق، منشأ دستیابی به آرمان انقلاب در ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور

(شکل شماره ۴)

استدلال بر محتوای عناوین «ساختاری»
از طریق
ترکیب عناوین «فرعی»

استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری اول گذشته» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن

۱/۱- ضرورت شناخت صحیح از گذشته.

۱/۲- عظمت وقوع: ایجاد دو گانه جدید «اسلام - استکبار» توسط انقلاب به جای «شرق مادی - غرب مادی» (آغاز عصر جدید)

۱/۳- عظمت ماندگاری: ناکامی تلاش‌های شرق و غرب مدرنیته برای نابودی انقلاب و خیانت به آرمان‌ها، بر اثر قدرت ایمانی امام و ملت

نتیجه

۱- عظمت اصل انقلاب: ایجاد دو گانه جدید «اسلام - استکبار» توسط انقلاب به جای «شرق مادی - غرب مادی» و ناکامی تلاش‌های مدرنیته برای نابودی آن

(شکل شماره ۵)

استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری دوم گذشته» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن

۲/۱- معیارهای ارزیابی کارکرد انقلاب: الف) شکل‌گیری پیشرفت‌های جمهوری اسلامی در فضای مشکلات طاقت‌فرسای فوق (تلاش مدرنیته برای نابودی انقلاب)؛ ب) شناخت عظمت پیشرفت‌های انقلاب؛ وابسته به مقایسه کارکرد چهل ساله انقلاب با مدت‌های مشابه در دیگر انقلاب‌ها

۲/۲- علت کارکردهای انقلاب: پایان تحقیر تاریخی و حضور اراده ایمانی امام و ملت در مدیریت کشور با محوریت جوانان

۲/۳- ابعاد هفت‌گانه پیشرفت انقلاب و نظام (در زمینه خواسته‌های ملی و بین‌المللی و بشری)

نتیجه

۲. عظمت کارکرد انقلاب: پیشرفت در ابعاد هفت‌گانه (خواسته‌های ملی و بین‌المللی و بشری) به دلیل حضور اراده ایمانی امام و ملت در مدیریت کشور با محوریت جوانان

(شکل شماره ۶)

استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری تکمیلی حال» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن

- ۱- ورود انقلاب به مرحله دوم خودسازی جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی به عنوان فرایند جهانی در چهل سال دوم
- ۲- توصیف وضعیت کنونی انقلاب بر محور داشته‌ها و دستاوردها: تحقق پیشرفت بر مبنای جهت‌گیری انقلابی و مبارزه با استکبار
- ۳- توصیف وضعیت انقلاب بر محور نداشته‌ها و چالش‌ها: غفلت از جهت‌گیری‌های انقلابی در سرفصل‌های اساسی اداره کشور

نتیجه

*** ساختار تکمیلی (توصیف وضعیت کنونی): دستاوردهای ناشی از جهت‌گیری انقلابی و چالش‌های غفلت از جریان این جهت‌گیری در سرفصل‌های اساسی اداره کشور**

(شکل شماره ۸)

استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری حال» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن

۳/۱- جوانان مستعد، کارآمد و با زیربنای عمیق ایمانی، مهمترین ظرفیت کشور و مسئول برداشتن گام دوم انقلاب در هفت سرفصل اساسی

۳/۲- تأکیدهای خاص بر معارف لازم برای حرکت جوانان در گام دوم

نتیجه

۳- نقش نیروی جوان متعهد با زیربنای عمیق ایمانی و معرفتی، به عنوان مهمترین ظرفیت کشور و مسئول برداشتن گام دوم انقلاب در هفت سرفصل اساسی

(شکل شماره ۷)

استدلال بر محتوای عنوان «ساختاری آینده» از طریق ترکیب عناوین «فرعی» آن

۴/۱- معرفی آرمان انقلاب به ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور

۴/۲- توصیه به امید متکی بر واقعیت‌های عینی و شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن در مایوس‌سازی مردم و مسئولان،

به عنوان ریشه و اولویت حاکم بر سرفصل‌های هفت گانه

۴/۳- توصیه به جوانان در هفت سرفصل اساسی اداره کشور

نتیجه

۴- عظمت چشم‌انداز آینده: تغییرات در سرفصل‌های اساسی اداره کشور بر مبنای امید صادق، منشأ دستیابی به آرمان انقلاب در ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور

(شکل شماره ۹)

استدلال بر محتوای عناوین «فرعی»
از طریق
ترکیب عناوین «تبعی»

استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار اول، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن

۱/۱/۱- حرکت استوار در آینده توسط نسل جوان به عنوان نگهبان انقلاب و توسعه دهنده آن^۱

۱/۱/۲- جلوگیری از تحریف آن توسط دشمن^۲

نتیجه

۱/۱- ضرورت شناخت صحیح از گذشته

(شکل شماره ۱۰)

۱- «عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت.»

۲- «اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید.»

۱/۲/۱- شکستن چارچوب های جهان مادی (تقسیم جهان به شرق و غرب) و آغاز عصر جدید توسط انقلاب اسلامی^۱

۱/۲/۲- تبدیل جهان دو قطبی به جهان سه قطبی توسط انقلاب اسلامی^۲

۱/۲/۳- ایجاد دو گانه «اسلام و استکبار» و تغییر مسیر جهان توسط انقلاب، کانون توجه جهانیان^۳

۱/۲/۴- آغاز انقلاب از نقطه صفر در دو بُعد الف) ضدیت قدرت های موجود ملی و بین المللی با انقلاب ب) فقدان هر گونه تجربه مشابه برای انقلاب الهی و ترکیب جمهوریت و اسلامیت توسط حضرت امام در مقابل این وضعیت^۴

۱/۲/۵- تعداد محدود ملت های انقلاب کننده بر ضد ستم^۵

نتیجه

۱/۲- عظمت وقوع: ایجاد دو گانه جدید «اسلام - استکبار» توسط انقلاب به جای «شرق مادی - غرب مادی» (آغاز عصر جدید)

(شکل شماره ۱۰)

۱- «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمیبرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود».

۲- «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد».

۳- «و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب های جدید قدرت، تقابل دوگانه ای جدید «اسلام و استکبار» پدیده ی برجسته ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد».

۴- «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود- بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت های غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب افتادگی شرم آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر. ثانیاً: هیچ تجربه ی پیشینی و راه طی شده ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام های مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد؛ و این نخستین درخشش انقلاب بود».

۵- «از میان همه ی ملت های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت میگمارد».

۱/۳/۱- انقلاب اسلامی؛ تنها انقلابی که از اصالت شعارها صیانت کرده و به آرمان‌ها خیانت نکرده^۱

۱/۳/۲- ناکامی تلاش‌های شرق و غرب مدرنیته برای نابودی انقلاب^۲

۱/۳/۳- قدرت ایمانی ملت و رهبری آسمانی امام، عامل اصلی بقاء انقلاب اسلامی در مقابل حجم شدید دشمنی‌های شرق و غرب^۳

۱/۳/۴- تعداد محدود ملت‌های انقلابی که آرمان‌ها را حفظ کرده باشند^۴

نتیجه

۱/۳- عظمت ماندگاری: ناکامی تلاش‌های شرق و غرب مدرنیته برای نابودی انقلاب و خیانت به آرمان‌ها، بر اثر قدرت ایمانی امام و ملت

(شکل شماره ۱۰)

۱- «اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.»

۲- «طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم‌واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند.»

۳- «و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خیانت، امکان‌پذیر نمی‌شد.»

۴- «و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند.»

استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار دوم، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن

۲/۱/۱- شکل‌گیری پیشرفت‌های جمهوری اسلامی در فضای مشکلات طاقت‌فرسای فوق (تلاش مدرنیته برای نابودی انقلاب)^۱
۲/۱/۲- شناخت عظمت پیشرفت‌های انقلاب؛ وابسته به مقایسه کارکرد چهل ساله انقلاب با مدت‌های مشابه در دیگر انقلاب‌ها^۲

نتیجه

۲/۱- معیارهای ارزیابی کارکرد انقلاب

۲/۲/۱- مدیریت جهادی مبتنی بر ایمان و آموزه‌های امام، عامل عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها
۲/۲/۲- پایان انحطاط و تحقیر تاریخی و آغاز حضور اراده ملی در مدیریت کشور (جانمایه پیشرفت) با محوریت جوانان بر اساس روحیه ما می‌توانیم
۲/۲/۳- تحریم، عامل همگانی شدن اتکا به توانایی داخلی^۳

نتیجه

۲/۲- علت کارکردهای انقلاب: پایان تحقیر تاریخی و حضور اراده ایمانی امام و ملت در

مدیریت کشور با محوریت جوانان^۴

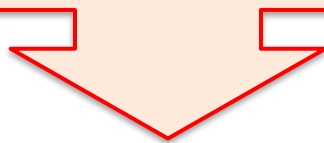
۱- «به رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روز به روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است.»

۲- «عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود.»

۳- «به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.»

۴- «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد.»

۲/۳/۱- انقلاب، پدیدآورنده‌ی معجزه پیروزی در جنگ هشت ساله در مقابل رژیم بعثی و پشتیبانان شرقی و غربی آن^۱
۲/۳/۲- انقلاب، موتور پیشران کشور در عرصه علم، فناوری، زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی در قبال
سهام صفر کشور در تولید علم و فناوری و صنعت بومی پیش از انقلاب^۲
۲/۳/۳- به اوج رسیدن مشارکت مردمی در سیاست داخلی و خارجی و موضوعات اجتماعی و خدمت‌رسانی توسط انقلاب^۳
۲/۳/۴- ارتقا شگفت آور بینش سیاسی مردم در موضوعات جهانی توسط انقلاب، به معنای تعمیم روشنفکری
سیاسی از یک طبقه محدود به آحاد ملت^۴
۲/۳/۵- دستاوردهای افتخارآفرین انقلاب در مبارزه با بی‌عدالتی به معنای تعمیم امکانات عمومی از پایتخت و
شهرهای بزرگ به سراسر کشور و تامین نیازهای اولیه و زیرساختی تا روستاها^۵
۲/۳/۵/۱- نارضایتی از کارکرد عدالت در کشور و نقش اساسی جوانان در اجرای عدالت به معنای والای آن^۶



۱- «اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.»

۲- «ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روز به روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل و نقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل: چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و ... با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.»

۳- «ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیتهای نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.»

۴- «رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالت‌ها و دخالت‌های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.»

۵- «خامساً: کفهی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و با اخلاص نزد خدا و خلق است.»

۶- «البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از این‌ها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.»

۲/۳/۶- معجزه‌ی انقلاب در افزایش عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه به دلیل شخصیت معنوی حضرت امام و ریشه‌های عمیق ایمانی در ملت، علی‌رغم ایجاد لجن‌زار اخلاق غربی توسط پهلوی و فضای فاسد جهانی^۱

۲/۳/۷- برجستگی روزافزون در ایستادگی پرابهت در برابر استکبار، موجب اعتراف قدرت‌ها به ناتوانی در برابر انقلاب^۲

نتیجه

۲/۳- ابعاد هفت‌گانه پیشرفت انقلاب و نظام (در زمینه خواسته‌های ملی و بین‌المللی و بشری)

(شکل شماره ۱۱)

۱- «سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهادسازندگی و بسیج‌سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است؛ و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است».

۲- «سابعاً: نماد پر آیهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند».

استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار تکمیلی، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن

۱/ * - ورود انقلاب به مرحله دوم خودسازی جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی به عنوان فرآیند جهانی در چهل سال دوم^۱

۱/۲ - انعطاف در عین عدم انفعال (تصحیح خطا و نه تجدیدنظرپذیری)^۲

۲/۲ - نقدپذیری در عین دست برداشتن از ارزشها^۳

۳/۲ - نظم‌پذیری در عین جوشش انقلابی بر اساس نظریه نظام انقلابی (ادامه انقلاب علی‌رغم نظام‌سازی)^۴

۴/۲ - عدم تحجر در عین پایبندی شدید به اصول و مرزبندی با دشمنان و رقبا،^۵

۵/۲ - رد لابلالی‌گری نسبت به خطوط اصلی به معنای توجه به فاصله با آرمانها با تاکید بر امکان تحقق آنها^۶

۶/۲ - اقتدار در عین مهربانی و مظلومیت و شجاعت و صراحت در عین جوانمردی و مروت، معرف دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای انقلاب^۷



۱ - «و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.»

۲ - «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و باردار، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست.»

۳ - «به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.»

۴ - «انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.»

۵ - «جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است.»

۶ - «با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدان‌های آرمانخواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.»

۷ - «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند، اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراطها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه‌ی متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.»

۲/۷* - اشاره به نمونه‌های عینی از پیشرفت معنادار در موضوع ایستادگی و مبارزه در برابر استکبار^۱
۲/۸* - جمع‌بندی اوصاف پیشرفت کشور به عنوان محصول جهت‌گیری انقلابی و جهادی^۲

نتیجه

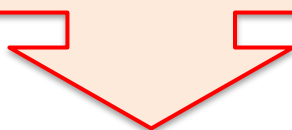
۲* - توصیف وضعیت کنونی انقلاب بر محور داشته‌ها و دستاوردها (تحقق پیشرفت بر مبنای جهت‌گیری انقلابی و مبارزه با استکبار)

(شکل شماره ۱۲)

۱ - «ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است، اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه با تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است؛ و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است؛ و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب میبندد و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی‌گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است».

۲ - «محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گرانبها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل: هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی‌ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است».

- ۱/۳- غفلت از شعارها و جریان انقلابی، موجب شکل‌گیری مشکلات کنونی و کاهش سرعت کشور در مسیر آرمانها^۱
- ۲/۳- اشاره به فهرستی از ظرفیت‌ها و فرصت‌های طبیعی و مادی استفاده نشده در کشور^۲
- ۳/۳- علم و پژوهش: عقب‌بودن از مرحله فتح قله‌های دانش جهانی و شکستن مرزهای علم^۳
- ۴/۳- معنویت و اخلاق: تبدیل رسانه‌های پیشرفته به ابزاری خطرناک برای تهاجم کانون‌های ضد معنویت به جوانان^۴
- ۵/۳- اقتصاد: عملکردهای ضعیف اقتصادی، موجب شکل‌گیری دو چالش بیرونی (تحریم) و درونی (عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی)^۵
- ۶/۳- عدالت و مبارزه با فساد: تصریح بر فاصله ژرف بین عملکرد فعلی نظام با وضع مطلوب عدالت و خطر فساد برای مشروعیت نظام اسلامی^۶
- ۷/۳- استقلال و آزادی: خطر تأویل یا ساده‌لوحی درباره «آزادی و استقلال کشور»^۷



۱ - «و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت».

۲ - «به‌جز اینها، فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریای طولانی، حاصل‌خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است».

۳ - «ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم».

۴ - «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم».

۵ - «انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویتهای وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است».

۶ - «...فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیتهای مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛... با این همه، اینجانب به جوانان عزیز که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیتهای بتد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بینمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است».

۷ - «این ثمر شجره‌ی طبیه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود».

۱۳/۸* - روابط خارجی: خطر پیشنهادهای دروغ و خدعه آمیز دشمن در روابط خارجی^۱
۱۳/۹* - سبک زندگی: زیانهای بی جبران و همه جانبه ترویج سبک زندگی غربی در ایران^۲

نتیجه

۱۳* - توصیف وضعیت انقلاب بر محور نداشته‌ها و چالش‌ها
(غفلت از جهت‌گیری‌های انقلابی در سرفصل‌های اساسی اداره کشور)

(شکل شماره ۱۲)

۱ - «سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است».

۲ - «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وا می‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است».

استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار سوم، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن

۳/۱/۱- جوانان از همه اقشار و در همه عرصه‌ها، مسئول برداشتن گام دوم در مسیر پیشبرد انقلاب بر اساس تجارب گذشته و روحیه و فکر انقلابی و عمل جهادی^۱
۳/۱/۲- نیروی انسانی جوان، مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق ایمانی، مهمترین ظرفیت کشور^۲

نتیجه

۳/۱- جوانان مستعد، کارآمد و با زیربنای عمیق ایمانی، مهمترین ظرفیت کشور و مسئول برداشتن گام دوم انقلاب در هفت سرفصل اساسی

(شکل شماره ۱۲)

۱- «جوانان عزیز! این‌ها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است، انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید. اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به‌کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند».

۲- «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و ... اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد».

۳/۲/۱- ضرورت توجه جوانان به بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و ظرفیت‌های استفاده نشده کشور در دهه دوم

چشم‌انداز^۱

۳/۲/۲- ادعای «بازگشت مشکلات اقتصادی به تحریم و مقابله نظام با استکبار و ضرورت تسلیم در برابر دشمن»، خطای

نابخشودنی و تحلیل سراپاغلط ناشی از القاء کانون‌های فکر خارجی به تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و افکار

عمومی^۲

۳/۲/۳- بحثی درباره گذشته انقلاب با جوانان برای حرکت استوار در آینده^{۳...۴}

نتیجه

۳/۲- تأکیدهای خاص بر معارف لازم برای جوانان در گام دوم

(شکل شماره ۱۲)

۱ - «گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد».

۲ - «جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه‌زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود».

۳ - «عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت».

۴ - برخی وظائف جوانان به صورت خاص مورد تأکید دوباره معظم له قرار گرفته که عناوین آنها به شرح ذیل است:

- رد لابی‌گری نسبت به خطوط اصلی به معنای توجه به فاصله با آرمانها با تأکید بر امکان تحقق آنها
- مطالبه از جوانان برای «شتاب بالای حرکت علمی» بمثابه یک جهاد برای رسیدن به قله‌ها و مرزهای کنونی دانش، به دلیل عقب‌ماندگی شدید ناشی از دوران پهلوی و قاجار
- تحقق این مقصد از طریق فعالیت مجموعه‌ی جوان، دانا، مومن و مسلط بر علوم اقتصادی در دولت در دوران پیش‌رو
- تصریح بر فاصله ژرف بین عملکرد فعلی نظام با وضع مطلوب عدالت
- وابستگی اجرای شایسته سیاست‌ها و قوانین فوق به مدیریت بخش‌های گوناگون کشور توسط جوانان مومن و انقلابی و دانا و کاردان
- اشاره‌ای مجمل به زیان‌های بی‌جبران و همه‌جانبه‌ی ترویج سبک زندگی غربی در ایران، ضرورت بخش مجاهده همه‌جانبه و هوشمندانه جوانان با آن

استدلال بر محتوای عناوین «فرعی» ساختار چهارم، از طریق ترکیب عناوین «تبعی» آن

۴/۱ - معرفی آرمان انقلاب به ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور^۱

۴/۲/۱ - ناممکن بودن حرکت به سوی چشم‌انداز آینده در صورت فقدان امید (امید، کلید اساسی همه قفلها)^۲

۴/۲/۲ - ضرورت امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی و احتراز از امید کاذب و فریبنده^۳

۴/۲/۳ - سیاست تبلیغی دشمن و دنباله‌های داخلی: «مایوس‌سازی مردم و مسئولان از آینده» و اشاره به ابعاد گوناگون این سیاست^۴

۴/۲/۴ - ضرورت پیشگامی جوانان برای شکستن این محاصره تبلیغاتی با تکیه به نشانه‌های امیدبخش، به عنوان نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد^۵

نتیجه

۴/۲ - توصیه به امید متکی بر واقعیت‌های عینی و شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن در مایوس‌سازی مردم و مسئولان، به عنوان ریشه و اولویت حاکم بر توصیه‌های هفت‌گانه

(شکل شماره ۱۳)

۱ - «و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید.»

۲ - «اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.»

۳ - «آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. این‌جانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم.»

۴ - «در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خیرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان‌دادن واقعیتها، پنهان‌کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ‌کردن عیوب کوچک و کوچک‌نشان‌دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند.»

۵ - «شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آن‌ها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بی‌آفرینید.»

۴/۳/۱- علم و پژوهش (به عنوان آشکارترین وسیله عزت یک کشور): «شتاب بالای حرکت علمی» بمثابة یک جهاد
 ۴/۳/۱/۱- توصیف دانش به عنوان آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشورها و آثار آن در تسلط دوپست ساله
 غرب بر اقتصاد و سیاست و سبک زندگی کشورهای عقب مانده در علم^۱
 ۴/۳/۱/۲- ضرورت جوشاندن چشمه دانش در کشور بدون سوء استفاده های غرب از آن^۲
 ۴/۳/۱/۳- مطالبه از جوانان برای «شتاب بالای حرکت علمی» بمثابة یک جهاد، به دلیل عقب ماندگی شدید
 ناشی از دوران پهلوی و قاجار^۳
 ۴/۳/۲- معنویت و اخلاق (به عنوان نیاز اساسی جامعه): ستیز معقول با کانون های ضد معنویت از طریق «معنوی شدن
 منش حکومت» و «میدان دادن به نهادهای اجتماعی مرتبط» با تاکید بر مساله رسانه های فراگیر و پیشرفته
 ۴/۳/۲/۱- معنویت (برجسته کردن ارزش ها) و اخلاق (رعایت فضیلت ها)، جهت دهنده همه حرکت های فردی
 و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه^۴
 ۴/۳/۲/۲- ضرورت جهاد برای رشد بیشتر معنویت و اخلاق در جامعه از طریق رفتار غیر دستوری حکومت ها در
 دو بُعد «منش اخلاقی و معنوی حکومت» و «میدان دادن به نهادهای اجتماعی مرتبط و ستیز معقول با
 کانون های ضد معنویت»^۵
 ۴/۳/۲/۳- وظایف سنگین دستگاه های حکومتی در قالب برنامه های کوتاه مدت و میان مدت به دلیل تبدیل
 رسانه های پیشرفته به ابزاری خطرناک برای تهاجم کانون های ضد معنویت به جوانان^۶



۱ - «علم و پژوهش: دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن ها را به دست گیرد».

۲ - «ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می ورزیم».

۳ - (بخش اول فراز به دلیل ارتباط با قسمت «ترسیم وضعیت کنونی انقلاب»، به آنجا منتقل شده است.) «... ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش میرویم، ولی این شتاب باید سال ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. این جانب همواره به دانشگاه ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده ام، ولی اینک مطالبه ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل: شهدای هسته ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید».

۴ - «معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی، چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده ی همه ی حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد».

۵ - «این، بی گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی آید، پس حکومت ها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهتمی ها مردم را با زور و فریب، جهتمی کنند».

۶ - (بخش اول فراز به دلیل ارتباط با قسمت «ترسیم وضعیت کنونی انقلاب»، به آنجا منتقل شده است.) «دستگاه های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره ی پیش رو باید در این باره برنامه های کوتاه مدت و میان مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله».

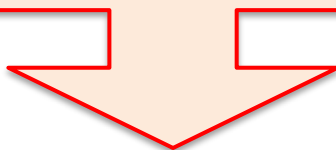
۴/۳/۳- اقتصاد (به عنوان عامل مهم سلطه‌ناپذیری): تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از طریق تهیه برنامه‌های اجرایی توسط مجموعه جوان مومن و مسلط بر علوم اقتصادی در دولت

۴/۳/۳/۱- توصیف اقتصاد قوی به عامل مهم و کلیدی در سلطه‌ناپذیری کشور و وسیله‌ای برای تحقق اهداف جامعه اسلامی^۱

۴/۳/۳/۲- تاکید مکرر بر تقویت اقتصاد بر اساس «تولید انبوه و باکیفیت، توزیع عدالت محور، مصرف غیرمصرفانه و مناسبات مدیریتی معقول»، ناشی از تاثیر شگرف آن بر زندگی جامعه^۲

۴/۳/۳/۳- راه حل مشکل، تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (درون‌زا، مولد، دانش‌بنیان، مردمی، برون‌گرایی بر اساس ظرفیت‌های داخلی) از طریق تهیه برنامه‌های اجرایی و اقدام با نشاط و قوت توسط دولت^۳

۴/۳/۳/۴- تحقق این مقصد از طریق فعالیت مجموعه‌ی جوان، دانا، مومن و مسلط بر علوم اقتصادی در دولت در دوران پیش‌رو^۴



۱ - «اقتصاد: اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید».

۲ - «تاکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تاکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد». (ادامه این فراز به دلیل ارتباط با قسمت «ترسیم وضعیت کنونی انقلاب»، به آنجا منتقل شده است).

۳- «راه‌حل این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهم این راه‌حل‌ها است».

۴ - «بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مومن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد».

۴/۳/۴- عدالت و مبارزه با فساد (به عنوان هدف نظام و عامل مشروعیت): تحقق سیاست‌های نظام درباره عدالت و مبارزه با فساد توسط جوانان مومن و پاک و دستگاه‌های قاطع^۱

۴/۳/۴/۱- مبارزه با فساد (به عنوان عامل مشروعیت): حضور دائمی دستگاهی کارآمد و تیزبین و قاطع در سه قوه با انسان‌های مومن و پاک و منبع الطبع برای مبارزه با فساد^۲

۴/۳/۴/۱/۱- لغزش مسئولان حتی در حکومت علوی در برابر وسوسه مال و مقام و ریاست، ضرورت بخش حضور دائمی دستگاهی کارآمد و تیزبین و قاطع در سه قوه برای مبارزه با فساد^۳

۴/۳/۴/۱/۲- نسبت بسیار کمتر فساد در مسئولان جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری کشورها^۴

۴/۳/۴/۱/۳- طهارت اقتصادی به عنوان شرط مشروعیت همه مقامات در جمهوری اسلامی، ضرورت بخش مواظبت فردی و قاطعیت دستگاه‌های نظارتی در پیشگیری از نطفه فساد و مبارزه با رشد آن^۵

۴/۳/۴/۱/۴- مبارزه با فساد، نیازمند انسان‌های با ایمان و جهادگر و منبع الطبع با دستان پاک و دل‌های نورانی^۶

۴/۳/۴/۲- عدالت (در صدر اهداف نظام): اجرای سیاست نظام مبنی بر «توجه به محرومین، رفع شکاف عمیق طبقاتی و تبعیض در توزیع منابع عمومی و...» توسط جوانان مومن و کاردان

۴/۳/۴/۲/۱- مبارزه با فساد، بخشی از تلاش همه‌جانبه نظام برای استقرار عدالت^۷

۴/۳/۴/۲/۲- عدالت در صدر اهداف اولیه پیامبران و فریضه‌ای برای حاکمان در همه زمانها و مکانها و لو از طریق تحقق نسبی (تحقق کامل عدالت، موقوف به حکومت حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه)^۸

۴/۳/۴/۲/۳- گام‌های بلند جمهوری اسلامی در راه عدالت و ضرورت فعالیت بیشتر برای تشریح آن در برابر توطئه واژگونه‌نمایی و سکوت^۹

۴/۳/۴/۲/۴- وابستگی اجرای شایسته سیاست‌ها و قوانین فوق به مدیریت بخش‌های گوناگون کشور توسط جوانان مومن و انقلابی و دانا و کاردان^{۱۰}

۱- «عدالت و مبارزه با فساد: این دو لازم و ملزوم یکدیگرند...»

۲- «و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی». (متن این فراز به دلیل ارتباط با قسمت «ترسیم وضعیت کنونی انقلاب»، به آنجا منتقل شده است.)

۳- «وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی».

۴- «البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است».

۵- «همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند.»

۶- «این مبارزه نیازمند انسانهایی با ایمان و جهادگر، و منبع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است».

۷- «این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.»

۸- «عدالت در صدر هدفهای اولیه‌ی همه‌ی بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواحنافداه) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است».

۹- «جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقط سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد». (ادامه این فراز به دلیل ارتباط با قسمت «ترسیم وضعیت کنونی انقلاب»، به آنجا منتقل شده است.)

۱۰- «ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداری بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان -که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاء‌الله.»

۴/۳/۵- استقلال و آزادی (به عنوان ارزش‌های اسلامی و عطیه الهی): ضرورت حراست همه‌جانبه از این دو توسط دولت و ملت

۴/۳/۵/۱- توصیف استقلال (آزادی ملت از تحمیل قدرت‌های جهان) و آزادی (حق تصمیم و اندیشه و عمل

برای افراد جامعه) به عنوان ارزش‌های اسلامی و عطیه الهی و وظیفه حکومت‌ها در تأمین آن^۱

۴/۳/۶- عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن (بر اساس عزت حکمت مصلحت): رد مذاکره با امریکا و تکلیف دولت در عدم هراس و عقب‌نشینی در برابر اروپا

۴/۳/۶/۱- «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» به مثابه فروعی از اصل «عزت حکمت مصلحت» در روابط بین‌المللی^۲

۴/۳/۶/۲- تکلیف دولت در عدم هراس و عقب‌نشینی، مرزبندی، برخورد حکیمانه و مصلحت‌جویانه بر اساس عزت ملی در برابر تعدادی از دولت‌های اروپایی خدعه‌گر و غیرقابل اعتماد^۳

۴/۳/۶/۳- عدم امکان حل هیچ‌یک از مشکلات در مورد امریکا و آثار زیان‌بار مادی و معنوی در صورت مذاکره با آن^۴

۴/۳/۷- سبک زندگی: ضرورت مجاهده همه‌جانبه و هوشمندانه جوانان با سبک زندگی غربی

۴/۳/۷/۱- اشاره‌ای مجمل به زیان‌های بی‌جبران و همه‌جانبه‌ی ترویج سبک زندگی غربی در ایران، ضرورت بخش مجاهده همه‌جانبه و هوشمندانه جوانان با آن^۵

نتیجه

۴/۳- توصیه به جوانان در هفت سرفصل اساسی

(شکل شماره ۱۳)

۱- «استقلال و آزادی: استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ‌کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت». (ادامه این فراز به دلیل ارتباط با قسمت «ترسیم وضعیت کنونی انقلاب»)، به آنجا منتقل شده است.

۲- «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید».

۳- «امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه‌حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با آنان حل کند».

۴- «در مورد آمریکا حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت».

۵- «سبک زندگی: (قسمت اول فراز به دلیل ارتباط با بخش «ترسیم وضعیت کنونی انقلاب» به آن قسمت منتقل شده است)؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه میطلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانهاست».

نسبت‌سنجی میان گذشته و حال و آینده انقلاب در قالب یک مفهوم مرکب؛ مبین

محتوای عنوان اصلی بیانیه:

«جریان جهت‌گیری انقلابی (درگیری اسلام با استکبار) در سرفصل‌های اداره کشور»

انقلاب اسلامی در گام اول خود (گذشته) تقسیم عالم به شرق و غرب مادی را شکست و دوگانه اسلام و استکبار را پدید آورد و تلاش‌های مدرنیته برای نابودی‌اش را ناکام گذاشت و با همین جهت‌گیری ایمانی و محوریت جوانان موفق شد پیشرفت‌هایی را در ابعاد هفت‌گانه رقم بزند. اما برای برداشتن گام دوم در مسیر حرکت به سمت آمادگی برای ظهور از طریق ایجاد تمدن نوین اسلامی (آینده)، با چالش‌هایی^۱ روبروست. منشأ این چالش‌ها، این واقعیت است که همان جهت‌گیری انقلابی – که گام اول را رقم زد – در هفت سرفصل اساسی اداره کشور جریان نیافته است (حال). لذا جوانان متعهد به عنوان مهمترین ظرفیت کشور باید با امید صادق، شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت «تحقق جهت‌گیری انقلابی در سرفصل‌های اداره کشور» بدهند تا با حصول اهداف معین‌شده^۲ در هر یک از سرفصل‌های هفت‌گانه، گام دوم انقلاب برداشته شود.

(شکل شماره ۱۵ و ۱۶)

۱- عقب‌بودن از مرحله فتح‌قله‌های دانش جهانی و شکستن مرزهای علم؛ تبدیل رسانه‌های پیشرفته به ابزاری خطرناک برای تهاجم کانون‌های ضد معنویت به جوانان؛ شکل‌گیری دو چالش بیرونی (تحریم) و درونی (عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی) بر اثر عملکردهای ضعیف اقتصادی؛ فاصله ژرف بین عملکرد فعلی نظام با وضع مطلوب عدالت و خطر فساد برای مشروعیت نظام اسلامی؛ خطر تأویل یا ساده‌لوحی درباره «آزادی و استقلال کشور»؛ خطر پیشنهادهای دروغ و خدعه آمیز دشمن در روابط خارجی؛ زبان‌های بی‌جبران و همه‌جانبه‌ی ترویج سبک زندگی غربی در ایران. (بر اساس توصیه‌های هفت‌گانه)

۲- شتاب بالای حرکت علمی؛ ستیز معقول با کانون‌های ضد معنویت از طریق «معنوی‌شدن منش حکومت» و «میدان‌دادن به نهادهای اجتماعی مرتبط»؛ تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از طریق تهیه برنامه‌های اجرایی توسط مجموعه جوان مومن و مسلط بر علوم اقتصادی در دولت؛ تحقق سیاست‌های نظام درباره عدالت و مبارزه با فساد توسط جوانان مومن و پاک و دستگاه‌های قاطع؛ اجرای سیاست نظام مبنی بر «توجه به محرومین؛ رفع شکاف عمیق طبقاتی و تبعیض در توزیع منابع عمومی و...» توسط جوانان مومن و کاردان؛ حراست همه‌جانبه از استقلال و آزادی توسط دولت و ملت؛ رد مذاکره با امریکا و تکلیف دولت در عدم هراس و عقب‌نشینی در برابر اروپا؛ مجاهده همه‌جانبه و هوشمندانه با سبک زندگی غربی. (بر اساس توصیه‌های هفت‌گانه)

٣. الحاقیه: «مبانی و تعاریف»

«مبانی و تعاریف انقلاب اسلامی»

بیان شد که «ترسیم گذشته، حال و آینده انقلاب» به مثابه عنوان اصلی و غرض اساسی بیانیه تلقی می‌شود و روشن است که چنین محتوایی، ناظر به یک پدیده‌ی «زمان‌دار» است. از سوی دیگر و در توضیحی که پیرامون «شعارهای انقلاب» آمده، بر این نکته تأکید شده که این شعارها تاریخ‌مند و زمان‌دار نیستند. این بدان معناست که گرچه شعارهای انقلاب از مبانی این حرکت بزرگ به شمار می‌روند اما تبیین آنها در این بیانیه، مورد اهتمام اصلی مولف نبوده و از غرض اصلی خارج‌اند بلکه انعکاس عملی این شعارها در گذشته و حال و آینده انقلاب است که باید به عنوان مسأله اساسی مولف محسوب شود. مؤید این برداشت، اجمال و کوتاهی عبارات‌های مربوط به شعارهای انقلاب در مقایسه با سایر عناوین مهم بیانیه است. بنابراین بخشی به نام «مبانی» در نظر گرفته شد تا بحث شعارهای انقلاب در آن قرار گیرد. همچنین از آنجا که دستگاه‌های فکری الهی و الحادی، تعاریف متفاوتی از شعارهای ذکر شده دارند، بخش‌هایی از بیانیه که به تعریف الهی از این شعارها پرداخته‌اند، جمع‌آوری و تحت عنوان «تعاریف» قرار گرفت. در نتیجه، دو بحث «مبانی» و «تعاریف» تحت عنوان «الحاقیه» مندرج گردید تا هم این بخش از بیانیه مورد بی‌توجهی و حذف قرار نگیرد و هم روشن شود که این بخش، مورد اهتمام اصلی مولف نبوده و باید از مباحث فرعی در این بیانیه محسوب شود.

عناوین مربوطه:

الف) فطری بودن شعارهای جهانی انقلاب (آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری) و حاکمیت آن بر همه عصرها، موجب همراهی ملتها با آن^۱

ب) تعریف شعارهای انقلاب (با تکیه بر فرازهای بعدی بیانیه)

ب/۱- معنویت (برجسته‌کردن ارزش‌ها) و اخلاق (رعایت فضیلت‌ها)، جهت‌دهنده همه حرکت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه^۲

۱- «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آنها».

۲- «معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته‌کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی، چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند».

- ب/۲- عدالت در صدر اهداف اولیه پیامبران و فریضه‌ای برای حاکمان در همه زمانها و مکانها و لو از طریق تحقق نسبی (تحقق کامل عدالت، موکول به حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه)^۱
- ب/۳- توصیف استقلال (آزادی ملت از تحمیل قدرت‌های جهان) و آزادی (حق تصمیم و اندیشه و عمل برای افراد جامعه) به عنوان ارزش‌های اسلامی و عطیه الهی و وظیفه حکومت‌ها در تامین آن^۲
- ب/۴- تشکر از ملت ایران و شکر الهی به خاطر حضور در راهپیمایی چهلمین سالگرد انقلاب^۳

۱- «عدالت در صدر هدف‌های اولیّه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد، ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.»

۲- «استقلال و آزادی: استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است؛ و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ کدام تفصّل حکومت‌ها به مردم نیستند.»

۳- «در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارآنگیز و دشمن‌شکن ملّت عزیز در بیست و دوّم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر میکنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق میسایم. سلام بر حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه)؛ سلام بر ارواح طیّبه‌ی شهیدان والا مقام و روح مطهّر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی ملّت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.»